

نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران

علی باقری دولت آبادی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۰۵

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۱۰

صفحات مقاله: ۸۷ - ۳۷

چکیده:

قرار گرفتن ایران در منطقه‌ی خاورمیانه و تهدیدات مختلف از سوی آمریکا و اسرائیل موجب شده تا بحث تأمین امنیت به موضوعی جدی برای مسئولان ایران تبدیل شود. سؤال اصلی که در این رابطه مطرح می‌گردد، این است که راهبرد بازدارندگی ایران برای مقابله با این تهدیدات بر چه مؤلفه‌هایی استوار است و تاکنون چه عملکردی داشته است؟ در پاسخ به سؤال فوق، فرضیه‌ی اصلی پژوهش به نقش بارز راهبرد بازدارندگی در تأمین امنیت کشور اشاره کرده و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را در دو بعد بازدارندگی سنتی و موشکی مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود تلاش برای منزوی‌سازی ایران و اعمال تحریم‌های تسلیحاتی، این راهبرد به خوبی توانسته تهدیدات نظامی علیه ایران را دفع نماید، به همین خاطر ماهیت تهدیدات علاوه بر بعد سخت‌افزاری بعد نرم‌افزاری نیز پیدا کرده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

ایران، آمریکا، راهبرد نظامی، امنیت، بازدارندگی.

مقدمه

در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل یکی از مسائلی که به دغدغه‌ی اصلی تمامی کشورها تبدیل شده است، موضوع امنیت و چگونگی پیش‌گیری از خطراتی است که تمامیت ارضی و منافع دولت‌ها را تهدید می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌واسطه‌ی قرار گرفتن در منطقه‌ی خاورمیانه و «جغرافیای تهدید» هیچ‌گاه از بحث چگونگی تأمین امنیت خود فارغ نبوده است. این امر نه موضوعی مختص امروز بلکه مسأله‌ای پایدار در طول ۳۵ سال اخیر بوده است. تهدیدات منطقه‌ای اسرائیل به همراه تهدیدات فرامنطقه‌ای ایالات متحده باعث گردیده تا هیچ‌گاه محیط امنیت امنی برای نظام جمهوری اسلامی شکل نگیرد و کشورمان همواره در معرض فشارها و تهدیدات خارجی باشد. سؤال اصلی که این مقاله قصد پرداختن به آن را دارد، این است که راهبرد بازدارندگی ایران برای مقابله با این تهدیدات بر چه مؤلفه‌هایی استوار است و تاکنون چه عملکردی داشته است؟ در پاسخ به سؤال فوق، فرضیه‌ی اصلی پژوهش به نقش بارز راهبرد بازدارندگی به‌عنوان عنصر اصلی در راهبرد نظامی ایران اشاره کرده و کاربست آن را موجب دفع تهدیدات نظامی علیه نظام می‌داند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد باوجود تهدیدات مکرر غرب نتوانسته از راه نظامی ایران را وادار به عقب‌نشینی از مواضع انقلابی خود نماید. بنابراین، راهبردهای جدیدی هم‌چون جنگ نرم را در کنار تهدید نظامی در پیش گرفته است. روش مورد استفاده در مقاله از نوع کتابخانه‌ای است. بدین ترتیب که با استفاده از منابع نوشتاری و الکترونیک داده‌های مورد نظر تجزیه و تحلیل خواهد شد.

چارچوب نظری: بازدارندگی و ملزومات آن

بازدارندگی در ساده‌ترین شکل آن عبارت است از نوع ویژه‌ای از روابط اجتماعی یا سیاسی که در آن یک طرف سعی در نفوذ بر رفتار طرف دیگر در جهت مطلوب دارد و وی را تهدید می‌کند تا چنانچه در سمت مطلوب عمل کند، مورد مجازات یا دست کم محرومیت قرار نخواهد گرفت. (ازغندی و جلیل روشندل، ۱۳۷۴: ۲۰۴) بر این اساس، راهبرد بازدارندگی راهبرد برای جنگیدن نیست، بلکه راهبرد برای حفظ وضع موجود، به انفعال کشاندن کشور

هدف و سرانجام دستیابی به صلح و استقرار آن است و به منظور متقاعد کردن طرف مقابل طرح می‌شود تا به وی ثابت کند که در میان داده‌های ممکن، تجاوز کم‌ترین اثر را دارد. بازدارندگی دشمن را از نظر فیزیکی دفع نمی‌کند، بلکه از نظر روانی از تجاوز او جلوگیری می‌نماید. (کالینز، ۱۳۷۰: ۱۶۱)

هدف از راهبرد بازدارندگی که در حوزه‌ی دفاع پیشگیرانه جای می‌گیرد، برنامه‌ریزی، مدیریت و کلیه‌ی اقداماتی است که کشور را در برابر تهدیدات احتمالی به درجه‌ای از آمادگی می‌رساند که باعث کاهش تهدید و آسیب‌پذیری شده و از وقوع درگیری جلوگیری می‌نماید. (خبیری، ۱۳۸۲: ۶۷) راهبرد بازدارندگی برای جلوگیری از جنگ کاربرد دارد و با شروع جنگ شکست راهبرد بازدارنده اعلام می‌گردد. در بازدارندگی کشور هدف نیازمند آن است تا بر حسب تعریفی که از بازدارندگی بعمل آورده، مخرب‌ترین سلاح و کارآمدترین آن را به دست آورد. برای مثال، اگر هدف از بازدارندگی، بازدارندگی متعارف باشد، به دست آوردن مخرب‌ترین سلاح در این زمینه ضروری است، اما صرف داشتن بهترین سلاح به معنای بازدارندگی نیست، بلکه دولت مورد نظر نیازمند آن است تا از سطحی از دیپلماسی و ارتباطات برای مدیریت بحران برخوردار باشد تا جلوی افزایش تصاعدی بحران را بگیرد. این امر بیش از هر چیز مستلزم خروج از انزواست. در حال حاضر، قوی‌ترین بازدارندگی، بازدارندگی هسته‌ای است. تأثیر بازدارندگی بستگی تام به اعتبار تهدید دارد. اگر کشوری بزرگ‌ترین زرادخانه‌ی اتمی را هم داشته باشد، ولی معلوم شود که از آنها نمی‌تواند استفاده کنند، بازدارندگی کوچک‌ترین اثری نخواهد داشت. در بازدارندگی هسته‌ای موفقیت در هدف، منوط به وجود پنج شرط است:

(۱) هر دو یا همه‌ی طرف‌ها در برابری هسته‌ای باید «بازیگرانی عقلانی» باشند. این بدین معناست که آنها باید توانایی فهم تهدیدات مطرح‌شده توسط سلاح‌های هسته‌ای، ارزیابی چیزهای مشابه، مخصوصاً حفظ حیات را داشته باشند و بتوانند بی‌فایده بودن تعارضات هسته‌ای را بفهمند.

۲) هر دو یا همه‌ی طرف‌ها باید قابلیت ضربه‌ی دوم را داشته باشند؛ یعنی بتوانند ضربه‌ی نخست دشمن را دریافت و پاسخ متقابل مخربی را وارد کنند.

۳) همه‌ی طرف‌ها باید مخصوصاً در زمان‌های بحران دارای ابزارهای ارتباطات دائمی شفاف و باز باشند.

۴) همه‌ی طرف‌ها باید شناخت کاملی از اندازه، ترکیب و قابلیت نیروهای هسته‌ای دشمن داشته باشند.

۵) همه‌ی طرف‌ها باید الگوی بازدارندگی، هم‌چنین حق دیگران به حیات به‌عنوان یک دولت حاکم را بپذیرند. (Robbins, 2007)

مشابه این شرایط برای حفظ بازدارندگی در سلاح‌های متعارف نیز لازم می‌باشد، اما باید در نظر داشت از آنجا که بازدارندگی، تهدید طرف مقابل به وارد آوردن خسارتی به مراتب بیش از سودی است که او از این رویارویی می‌برد، اعتبار داشتن تهدیدات بسیار مهم می‌باشد. هیچ تهدید بی‌اساسی نمی‌تواند برای مدت طولانی موجب بازدارندگی شود. تهدیدات باید از خود اعتبار نشان دهند و این اعتبار به ترکیبی از توانایی‌ها و نیات که به وضوح، اراده و توانایی انجام کار را در وضعیت نهایی به نمایش می‌گذارد، بستگی دارد. مبالغه‌ی بدون اعتبار، از راهبرد بازدارندگی بسیار دور است و چنان‌چه طرف مقابل توخالی بودن آن را کشف کند، ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد. (کالینز، ۱۳۷۰: ۱۶۳) یکی از دغدغه‌های اصلی مقامات آمریکایی اکنون همین مسأله می‌باشد. آنها بر این نظرند که بزرگ‌ترین خطر این است که ایرانی‌ها قدرت آمریکا را جدی تلقی نکنند. بنابراین، راهکاری که در پیش گرفته شده این است که در اولین اقدام تلاش نمایند تا ائتلاف علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت حفظ شود، حتی اگر به قیمت تحریم‌های ضعیف باشد. به‌زعم آنها همین واقعیت که چین و روسیه در مورد این مسأله با آمریکا متحد باقی مانده‌اند، باعث نگرانی ایران است. (Ignatius, 2007) مشابه این وضعیت در مورد رفتار ایران نیز صادق می‌باشد. تصور عمومی در غرب این است که ادعاهای ایران در خصوص

پیشرفت‌های نظامی بلوفی بیش نیست، چرا که تحریم‌های تسلیحاتی آمریکا جلوی صدور هرگونه تجهیزات جدید و فناوری به ایران را گرفته است. مقدار تلاش‌های صورت گرفته نیز تنها گامی در جهت بازسازی ظرفیت و قابلیت‌های از دست‌رفته‌ی ایران در هشت سال جنگ با عراق می‌باشد. (Chubin, 1994: 18-19) این امر از اعتبار تهدیدات ایران به هنگام ضرورت می‌کاهد.

راهبرد نظامی ایران بر اساس اسناد بالادستی نظام

بر اساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران طبق افق ۲۰ ساله، ایران باید کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل باشد. اگرچه این سند اشاره‌ای به بحث جایگاه اول نظامی در منطقه از سوی ایران نمی‌کند، اما شرط رسیدن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری حفظ بقا و دوام نظام است. این هدف محقق نخواهد شد، مگر این‌که طبق تکلیف سند فوق، ایران «جامعه‌ای امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت» باشد. (سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ۱۳۸۲) منظور از بازدارندگی همه‌جانبه هم بازدارندگی متقارن است، هم بازدارندگی غیرمتقارن. دلیل این‌که جمهوری اسلامی ایران این نوع راهبرد را انتخاب کرده است، این‌که نوع تهدیداتی که جمهوری اسلامی در محیط پیرامونی خود و در سطح بین‌المللی با آنها مواجه می‌باشد، از هر دو جنس است؛ یعنی بخشی از این تهدیدات، تهدیدات سنتی متقارن است؛ نظیر تهدیداتی که از جانب اسرائیل یا آمریکا وجود دارد و بخش دیگر، تهدیدات نامتقارن نظیر نفوذ گروه‌های تروریستی به مرزهای ایران و حمایت بعضی کشورها از این گروه‌ها یا انجام برخی اقدامات دیگر که می‌تواند شکل یک نوع جنگ نامتقارن به خود بگیرد. بر این اساس، راهبرد نظامی جمهوری اسلامی بر مبنای بازدارندگی دفاعی همه‌جانبه شکل گرفته است. منظور از دفاعی در این راهبرد این است که همان‌طور که ایران بارها اعلام کرده است، جمهوری اسلامی قصد تهاجم به هیچ کشوری را ندارد و

عمده‌ی تسلیحاتی که ایران توانسته آنها را طراحی و بسازد خصلت تدافعی دارد و نه تهاجمی. (قهرمانپور، ۱۳۸۹) علاوه بر سند چشم‌انداز برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی کشور نیز در ماده‌ی ۱۹۵ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را موظف کرده تا به منظور ارتقای توانمندی‌های دفاعی، قدرت بازدارندگی و دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله‌ی مؤثر با تهدیدهای خارجی اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱) ارتقای کمی و کیفی سامانه‌ی پدافند هوایی کشور و ایجاد هماهنگی تحت نظر قرارگاه پدافند هوایی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص)؛
- ۲) تقویت حضور و ارتقای زیرساخت‌ها به منظور گسترش حوزه و استقرار مؤثرتر در حوزه‌های آبی کشور و حفاظت از خطوط دریایی کشور با تأکید بر آب‌های آزاد و تکمیل سازمان ناوگان جنوب؛
- ۳) بهره‌گیری بهینه از فرصت خدمت و وظیفه‌ی عمومی برای ارتقای دانش، مهارت، ارتقای منزلت اجتماعی جامعه‌ی هدف در خصوص مبانی و ارزش‌های اسلام و انقلاب با تکیه‌ی ویژه بر دیدگاه‌ها و سیره‌ی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، ارتقای معنویت، انضباط اجتماعی، تقویت تعاملات سازنده و مهارت‌های حرفه‌ای و افزایش ظرفیت به کارگیری تخصصی سربازان و وظیفه و غنی‌سازی شغلی و ارتقای معیشت و منزلت اجتماعی آنها و نیز استفاده‌ی بهینه از مشمولان در سازندگی کشور؛
- ۴) ایجاد زیرساخت‌ها و اتخاذ ساز و کارهای لازم برای مشارکت هرچه گسترده‌تر دستگاه‌های دولتی و بخش غیردولتی در برنامه‌های دفاعی در شرایط بحران و جنگ. (قانون برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم توسعه‌ی ایران، ۱۳۸۹: ۹۲)

در ماده‌ی ۱۹۷ قانون فوق بحث حضور بیش‌تر نیروهای مردمی در صحنه‌های امنیت و دفاع از کشور با افزایش تعداد نیروهای بسیجی فعال و ویژه تا حداقل یک و نیم میلیون بسیجی مورد تأکید قرار گرفته است. (همان: ۹۳) ماده‌ی ۱۹۸ و ۱۹۹ موضوع پدافند غیرعامل و ضرورت آن در جامعه و ماده‌ی ۲۰۱ تقویت مؤلفه‌های بنیه‌ی دفاعی با تکیه بر مدرن‌سازی و

هوشمندسازی تجهیزات و ارتقای منابع انسانی را مورد تأکید قرار می‌دهد. (همان: ۹۵) بر این اساس، ستاد کل نیروهای مسلح در قالب نوعی تقسیم کار، برنامه‌ریزی لازم برای تحقق بازدارندگی در بخش‌های نظامی کشور را انجام داده است. در ادامه این راهبرد و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

راهبرد بازدارندگی و مؤلفه‌های آن

با وجود آن‌که سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی کشور، راهبرد نظامی ایران را بازدارندگی همه‌جانبه معرفی می‌کند، اما جزئیات این راهبرد چندان مشخص نیست و تاکنون در هیچ اثر پژوهشی نیز مورد کنکاش و بررسی قرار نگرفته است. این مسأله باعث گردیده تا دامنه‌ی اظهارنظرها در خصوص آن بسیار زیاد و پراکنده باشد. به نحوی که به نوعی راهبرد مبهم تبدیل شده است و دقیقاً مشخص نیست این بازدارندگی از چه جنسی می‌باشد. بنابراین، برای مواجهه با تهدیدات جدید نیز راهکارهای مختلفی ارائه می‌گردد. به‌عنوان مثال، سیدمرتضی نبوی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام معتقد است که «سامانه‌ی دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه عبارت حساب شده‌ای است؛ یعنی بازدارندگی ما فقط از طریق سلاح‌های متعارف فیزیکی تأمین نمی‌شود ... یک بعد بازدارندگی همه‌جانبه تقویت بعد نرم حکومت است. این یک راهبرد است و بایستی هر چه بیش‌تر بعد نرم قدرت بازدارندگی هم تقویت شود.» (میزگرد پیش‌نیازهای سیاسی - امنیتی، ۱۳۸۶: ۹۳) اظهارنظر فوق اشاره به بعد نرم بازدارندگی دارد. بعد نرم بازدارندگی در عمل عبارت از ارائه‌ی یک چهره‌ی محبوب، صلح‌دوست و خیرخواه از یک سیستم سیاسی و اجتماعی است. این اظهارنظر با آنچه که سرتیپ رضا قرائی آشتیانی، جانشین فرمانده کل ارتش بیان می‌کند، متفاوت است. او در این باره می‌گوید: «تلاش ما این است که ارتش توان پاسخگویی به تهدیدات را داشته باشد، جنگ‌های آینده بر مبنای رزم از راه دور و با تکیه بر قدرت و دقت آتش و سرعت انتقال اطلاعات است و ما می‌خواهیم به‌گونه‌ای تجهیز شویم که توانایی پاسخگویی در برابر این تهدیدات را داشته باشیم.» (A)(www.agahsazi.com)

به عقیده‌ی سرلشگر پاسدار محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «سیاست نظامی کشور دفاع و بازدارندگی بر مبنای وارد کردن ضربه‌ی قاطع، قوی و سریع از راه دور و نزدیک به دشمن است. در همین راستا، هدف سپاه توسعه‌ی توان بازدارندگی در مقابل دشمنان ایران است. (روزنامه‌ی کیهان، ۱۳/۶/۸۶) این اظهارات درحالی بیان می‌شود که از سال ۱۳۸۸ به بعد بحث جنگ نرم و خطرات فرهنگی بیش از خطرات نظامی در دیدگاه‌های ایشان برجسته شده است. در حال حاضر، سپاه در حال طراحی دکترین «دفاع فرهنگی نامتقارن» از طریق «جنگ روانی» است. دفاع از فرهنگ انقلاب اسلامی علیه تهاجم فرهنگی غرب اصل محوری تفکر ایران از انقلاب سال ۱۳۵۷ تاکنون بوده است. «دفاع فرهنگی» به‌عنوان جزء ذاتی جنگ نامتقارن دیده شده است. این دفاع پنج جزء دارد: آمادگی روانی برای جنگ، آمادگی برای جنگ روانی در بستر جنگ نامتقارن، تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی، رصد و مقابله با جنگ روانی دشمن، اجرای عملیات روانی تهاجمی در سطوح مختلف. (haghshenass, 2009: 22)

با این حال، توجه به تهدیدات نظامی از سوی آمریکا و اسرائیل مورد غفلت قرار نگرفته است، چرا که سرلشگر محمد باقری، معاون اطلاعات و عملیات ستادکل نیروهای مسلح از تغییر راهبرد دفاعی ایران خبر می‌دهد. ایشان در صحن علنی مجلس شورای اسلامی با توجه به اظهارنظر رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۰ مبنی بر این‌که «در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم»، این بیانات را تعبیر به تغییر راهبرد دفاعی ایران کردند و اعلام نمودند: «در حالی که ایران به تجاوز فکر نمی‌کند، اما در مقابل تهدید راهبرد دفاعی باید به سمت تهدید تغییر جهت دهد. تغییر مشی ایران به سمت تهدید در صورتی خواهد بود که تهدیدات نظامی غرب ادامه داشته باشد.» (سایت خبری فرارو، ۱۳۹۰/۹/۱)

دامنه‌ی بحث درباره‌ی راهبرد نظامی ایران تنها به محافل نظامی محدود نمانده، به‌طوری که عباس ملکی، معاون سابق وزیر امور خارجه در این باره بیان می‌کند: «در مورد سیاست دفاعی معتقدم که ایران بهتر است سیاست دفاعی خود را در سطح متعارف بگذارد و به‌دنبال

سلاح‌های غیرمتعارف نرود. بدلیل گستردگی جمعیت ایران، تعداد نفرات، نیروهای مسلح و میزان تولید سلاح‌های متعارفی که در اختیار ایران است، به نظر می‌رسد ایران اگر در این سطح باشد، این مسائل (تسلیحات متعارف) بازدارنده‌ی سطحی از رقبا و دشمنان در سطح منطقه باشد.» (میزگرد پیش نیازهای سیاسی - امنیتی، ۱۳۸۶: ۲۷)

گستره‌ی این اظهارنظرها به قدری وسیع است که گاه قرارداد آنها در ذیل یک سرفصل غیرممکن می‌شود. این وضعیت باعث گردیده تا آسیب‌شناسی آن، هم از سوی چهره‌های داخلی و هم استراتژیست‌های خارجی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. سرتیپ سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، در این باره می‌گوید: «ما هنوز توافق عمومی بر سر مفاهیمی مثل تهدید، فرصت و آسیب‌پذیری نداریم. از دید بعضی موضوعاتی به‌عنوان تهدید مطرح هستند. در حالی که از دید دیگران فرصت تلقی می‌شوند، و تا زمانی که راجع به این مفاهیم به اجماع نظر نرسیم، فاقد کارایی در تدوین یک راهبرد مشخص هستیم.» (سلامی، ۱۳۸۰: ۱۳۵)

محمد رضا تاجیک، استاد دانشگاه بهشتی، نیز معتقد است که علی‌رغم گذشت بیش از سه دهه از عمر انقلاب، هنوز کشور فاقد «مدیریت امنیت ملی» است. او می‌گوید: «من اصلاً مدیریت امنیت ملی را در کشور مشاهده نمی‌کنم.» بخشی از این مشکل به سیال بودن، متحول بودن و عدم پیروی از قواعد و روندهای مشخص در تصمیم‌گیری‌های امنیتی بر می‌گردد. سیاست‌های امنیتی ایران در ارتباط نزدیک با سیاست خارجی می‌باشد، به‌گونه‌ای که تفکیک آن در بسیاری از مواقع مشکل است. اگرچه در زمان سیدمحمد خاتمی تلاش گردید تا این دو حوزه از یکدیگر تفکیک گردد و در این راه موفقیت‌هایی نیز کسب گردید. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۲۰)

البته با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد شرایط دو مرتبه به حال سابق بازگشت. اساساً در حالی که در کشورهای مختلف سیاست دفاعی یک مسأله‌ی پایدار و بلندمدت است، در ایران راهبرد نظامی و دفاعی با تغییر دولت‌ها تغییر می‌کند. آنچه که پیش از این در قالب تعامل سازنده در گفتمان امنیت ملی دنبال می‌شد، در دولت محمود احمدی‌نژاد از طریق مقاومت

سازنده (Constructive Resistance) دنبال گردید. (متقی، ۱۳۸۵: ۲۷) در حال حاضر نیز در قالب گفت‌وگو تعامل سازنده توسط دولت حسن روحانی در حال پیگیری است. این تغییرهای مکرر باعث گردیده تا کشور با دو مشکل مواجه باشد:

(۱) فقدان راهبرد کلان دفاعی - امنیتی که در قالب منسجم، جامع و انطباق‌پذیر از قابلیت هدایت سیاست‌های واسط در این عرصه برخوردار باشد. (این امر در مقاطعی باعث انفعال سیاست‌های امنیتی از تحولات مقطعی و ملاحظات دوره‌ای مربوط به فرازهایی از انقلاب گردیده است).

(۲) وجود تفرق، پراکندگی و ناهماهنگی و عدم انسجام در عرصه‌ی تصمیم‌سازی‌های امنیتی، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۷۵)

با وجود این دیدگاه‌های پراکنده و انتقاداتی که در عرصه‌ی سیاسی کشور مطرح است، در فضای نظام بین‌الملل نوعی تلقی واحد نسبت به راهبرد نظامی ایران حکمفرماست. تمامی اظهارنظرها و مکتوبات غربی درباره‌ی راهبرد نظامی ایران بر این نکته توافق دارند که ایران راهبرد بازدارندگی را دنبال می‌کند. در این باره می‌خوانیم: «سیاست دفاعی ایران مبتنی بر بازدارندگی است و علی‌رغم این‌که تهران مدعی است قصدی برای حمله به همسایگانش ندارد، حمله به آمریکا و پایگاه‌های این کشور در کشورهای منطقه تحت شرایط ویژه قابل کنار گذاشتن نیستند.» (Haghshenass, 2008: 20) هم‌چنین سپهد رونالد بورگس، مسئول آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا در پیشگاه سنای آمریکا اظهار داشت: «راهبرد نظامی ایران با هدف مقابله با تهدیدات خارجی و به‌طور خاص آمریکا و اسرائیل طراحی شده است. اصول این راهبرد شامل بازدارندگی، انتقام غیرمتقارن و جنگ فرسایشی است.» (Burgess, 2010: 2) به عقیده‌ی وی اهداف راهبردی رهبری ایران نخست و در درجه‌ی اول، حفظ نظام، تبدیل ایران به قدرت برتر منطقه، کسب نقش رهبری در جهان اسلام و سطح بین‌الملل، و تبدیل ایران به قطب اقتصادی، علمی و فناورانه است. ایران به دنبال راهبرد امنیتی برای بازداشتن هرگونه حمله به سرزمین خود و افزایش قدرت نسبی خود در منطقه است. به گفته‌ی این مقام

آمریکایی ایران مدت‌هاست از ارتش ۲۰ میلیونی و دکترین جنگی غیرمتقارن به‌عنوان بازدارنده‌ی هرگونه تهاجم به این کشور سخن گفته است. (Ibid)

نیروهای مسلح ایران

راهبرد بازدارندگی در معنای اصلی و نظامی آن از طریق نیروهای مسلح در ایران تأمین خواهد شد. نیروهای مسلح ایران تحت فرماندهی رهبر معظم انقلاب از سه بخش ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی تشکیل شده است. از میان این سه بخش ارتش و سپاه تحت کنترل وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح قرار دارند. این نیروها که مسئول محافظت از مرزها و برقراری امنیت داخلی هستند از رسته‌های زرهی، پیاده نظام، کماندو، توپخانه و هوابرد شده‌اند و در حال حاضر، با تشکیل قرارگاه‌های تخصصی هم‌چون قرارگاه هواپیمایی خاتم‌الانبیاء^(ص) و قرارگاه‌های موشکی به ایفای نقش در تأمین بازدارندگی ایران می‌پردازند. در کنار این نیروها نیروی انتظامی به‌عنوان زیرمجموعه وزارت کشور قرار دارد که نقش کلیدی در برقراری امنیت مرزی و داخلی ایفا می‌کند. (Burgess, 2010: 6) در ادامه به بررسی نقش تخصصی‌تر ارتش و سپاه در قالب نیروی هوایی، دریایی و زمینی برای برقراری بازدارندگی در ایران پرداخته می‌شود.

نیروی هوایی

نیروی هوایی ارتش ایران ۵۲ هزار نیرو دارد که از این تعداد ۱۲ هزار نفر آن در خدمت نیروی دفاع هوایی هستند. این نیروها تقریباً با ۳۱۹ هواپیمای جنگی تجهیز شده‌اند. نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز تخمین زده می‌شود ۵۰۰۰ نیرو دارد. از نیروی هوایی به‌عنوان بخشی از توان بازدارنده ایران یاد می‌شود. موفقیت‌های این نیرو در ساخت انواع رادار، موشک، پهباد، هواپیماهای آذرخش، رعد، صاعقه و ساخت قطعات مختلف هواپیما و بالگرد که بعد از انقلاب به‌واسطه تحریم‌ها در اختیار ایران قرار نمی‌گرفت موجب گشته تا سهم این نیرو در پوشش عملیات‌های زمینی و دفاع از حریم هوایی کشور دوچندان گردد. نمونه اخیر این موفقیت در ۱۳ خرداد ۹۳ اعلام شد. نیروی هوایی ایران در این روز با حضور وزیر دفاع کشور از توانمندی

جدیدش برای تعمیر و به‌روز رسانی ۲۰ دستگاه بالگرد و تحویل مجدد آن به ارتش خیر داد. تا پیش از این به‌واسطه‌ی این‌که آمریکا به‌عنوان سازنده‌ی بالگردهای فوق از قرار دادن قطعات یدکی به بالگردهای مذکور امتناع می‌ورزید، این بالگردها غیرقابل استفاده شده بود. این محرومیت بسیاری از تحلیل‌گران نظامی را به این جمع‌بندی رسانده بود که ایران توانایی استفاده از تجهیزات خریداری شده پیش از انقلاب از آمریکا را ندارد. (cordesman,2006)

توانمندی نیروی هوایی ایران تنها مختص به در اختیار داشتن انواع هواپیما و بالگرد نظامی نیست. طبق گزارش موازنه‌ی نظامی آمریکا، نیروی هوایی سپاه پاسداران شامل یک تیپ موشکی با ۱۲ الی ۱۸ پرتابگر موشک شهاب ۱ و ۲ و یک گردان با ۶ پرتابگر مجهز ده به موشک‌های شهاب ۳ با برد متوسط ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ کیلومتر است. بنابراین، به راحتی می‌تواند اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی و سایر متحدین آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد. (Taylor, 2009: 12)



تصویر شماره‌ی ۱ - موشک‌های زمین به زمین جمهوری اسلامی ایران

هم‌چنین ایران در سال ۲۰۱۱ و در جریان رزمایش پیامبر اعظم موشک‌های عاشورا و نسل جدیدی از موشک شهاب ۳ را آزمایش کرد که بردی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر داشتند. این آزمایش‌ها که بعداً با پرتاب ماهواره‌های مخابراتی هم‌چون امید، کاوشگر ۱، مصباح، سینا ۱ و... به فضا همراه شدند، اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش به نمایش گذاشتند.

علاوه بر بعد آفندی در بحث پدافند نیز نیروی هوایی ایران پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است. قرارگاه خاتم‌النبیاء^(ص) یکی از مهم‌ترین قرارگاه‌های دفاع هوایی کشور است که بر اساس تدابیر و اوامر فرماندهی کل قوا، مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۷۱ مسئولیت هماهنگی فعالیت‌های پدافند هوایی ارتش و سپاه را عهده‌دار شده است. این قرارگاه که در ساختار سازمانی قبلی هدایت و کنترل عملیاتی یگان‌های پدافند هوایی نیروهای مسلح را بر عهده داشت، در ساختار تشکیلاتی جدید با تحویل گرفتن کامل یگان‌های پدافند هوایی نیروی هوایی و اعمال فرماندهی کامل بر این یگان‌ها و نیز در اختیار گرفتن فرماندهی اطلاعات و شناسایی، شبکه‌ی راداری، موشکی، توپخانه‌ها و دیده‌بانی و سامانه‌های پشتیبانی رزمی و عمومی یگان‌های مذکور، از طریق سامانه‌ی فرماندهی و کنترل پدافند هوایی (ADOC-SOC - CP - CRC) مسئولیت کنترل عملیات هوایی کشور را بر عهده دارد. این قرارگاه در سال ۱۳۸۸ با نقش‌آفرینی در عملیات دستگیری عبدالمالک ریگی شهرتی جهانی پیدا کرد و در حال حاضر، نقش مهمی در حفاظت از حریم هوایی کشور بر عهده دارد. این قرارگاه در سال‌های اخیر توانسته به توانمندی‌های دفاعی خوبی دست پیدا کند که از جمله‌ی آنها ساخت سامانه‌ی ارتباط تاکتیکی و بومی رادار مطلع‌الفجر با توانایی تأمین ارتباط تاکتیکی امن و پایدار و انتقال خطوط صوت و دیتای رادار مطلع‌الفجر به نزدیک‌ترین یگان پدافندی و مراکز کنترل و فرماندهی در سال ۹۳ است. هم‌چنین رونمایی از سامانه‌ی راداری نیروی هوافضای سپاه که ۱۲ خرداد ۹۳ توسط فرمانده این قرارگاه سرتیپ فرزاد اسماعیلی صورت گرفت، نشان دیگری از وحدت، همدلی، تعامل و هم‌افزایی بین نیروهای مسلح به نمایش گذاشت. این سامانه‌ی راداری که تمامی مراحل تحقیق، طراحی و تولید آن به همت سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه انجام پذیرفته، به گفته‌ی سردار اسماعیلی فرمانده قرارگاه

خاتم‌النبیاء^(ص) دارای قابلیت شناسایی هر نوع موشک بالستیک و کروز و ریزپرنده‌ای است که وارد فضای هوایی ایران گردد. این توانمندی از آن رو اهمیت دارد که فناوری آن تنها در دست چند کشور معدود قرار دارد و با ورود به عصر انواع هواپیماهای بدون سرنشین یو-۲ و آر-کیو ۱۷۰ که در حال حاضر در پاکستان و افغانستان توسط ارتش آمریکا استفاده می‌شود، داشتن سیستم‌های راداری برای شناسایی و مهار ورود آنها می‌تواند بازدارندگی ایران را تقویت نماید. این رادارها می‌توانند در بحث جنگ‌های الکترونیک که قرن ۲۱ را قرن آنها نام‌گذاری کرده‌اند نیز بسیار حیاتی باشد.

در بحث پدافند هوایی به غیر از خرید ۲۴ سیستم دفاع هوایی هاوک از آمریکا در سال ۱۹۷۲ که تحویل آن از ۱۹۷۶ شروع و تا ۱۹۷۹ ادامه داشت، ایران تلاش‌هایی برای خرید سیستم‌های جدیدتر از چینی‌ها و روس‌ها انجام داده است. سیستم CSA-1 از جمله این سیستم‌های دفاعی برد متوسط است که ایران از کشور چین خریداری نموده و کپی سیستم SA-2 روسی است. از این سیستم برای محافظت از مکان‌های نظامی ایران بهره‌برداری می‌شود. ایران در سال ۲۰۰۶ به سیستم دفاعی جدیدتر تور ام-۱ ساخت روسیه دست پیدا کرد. این سیستم دفاعی که از نوع برد کوتاه است، توانایی شناسایی ۴۸ هدف و درگیر شدن با دو هدف به‌صورت همزمان را دارد. محافظت از نیروگاه‌های هسته‌ای و مراکز حیاتی کشور عموماً توسط این سیستم انجام می‌شود. هم‌چنین ایران در سال ۲۰۰۷ از خرید تعدادی سیستم دفاع موشکی جدید به نام اس-۳۰۰ از روس‌ها خبر داد. این سیستم که نوع دفاع موشکی با برد بلند است، می‌تواند قابلیت دفاعی ایران را ارتقا دهد. افزایش تحریم‌ها علیه ایران موجب گردید علی‌رغم انعقاد قرارداد خرید فوق از سوی وزارت دفاع ایران، روسیه از تحویل آن به تهران امتناع ورزد. (Burgess, 2010: 20) امتناع روس‌ها از تحویل این سیستم دفاع موشکی موجب گردیده تا ساخت سامانه‌ی دفاع موشکی در دستور کار متخصصان ایرانی قرار گیرد. در صورت دستیابی به چنین فناوری ایران خواهد توانست تا نسبت به هرگونه حمله‌ی موشکی از راه دور به تأسیسات حیاتی کشور خود را مصون بدارد.

- در حال حاضر، بخشی از توانمندی‌های هوایی ارتش ایران به قرار زیر است:
- ۵ اسکادران از ۱۱۸ اسکادران جنگی شامل ۲۵ هواپیمای تام کت اف-۱۴، میگ ۲۹، ۲۰ هواپیمای اف-۵، ۲۴ فروند اف ۷، ۲۴ عدد میراژ؛
 - ۹ اسکادران از ۱۶۸ بمبافکن شامل ۱۳ فروند سوخو ۲۵، ۳۰ فروند سوخو ۲۴، و ۶۵ فروند اف-۴، پانتوم ۲، ۶۰ فروند اف-۵ و هواپیماهای تایگر ۲؛
 - یک اسکادران مجهز به ۶ هواپیمای شناسایی مدل RF-4؛
 - یک اسکادران مجهز به ۵ هواپیمای گشت دریایی اوریون مدل P-3؛
 - ۶ اسکادران از ۱۰۴ هواپیمای سوخت‌رسان و ترابری شامل ۱۷ هواپیمای هرکول C-130؛
 - ۱۱۲ جت آموزشی سریع‌السير؛
 - ۲ بالگرد امداد چینوک مدل CH-47 و ۳۲ بالگرد امداد؛
 - ۱۶ تیب دفاع هوایی مجهز به بیش از ۲۵۰۰ موشک زمین به هوا دفاع هوایی مدل راپیر، تایگرکت، FM-80، SA-2، موشک‌های دفاع هوایی قابل حمل توسط افراد شامل موشک‌های استینگر، SA-7، SA-7 و SA-5؛
 - هواپیماهای مجهز به موشک‌های هوا به زمین شامل AS-11، AS-10، Maverick، AS-11، AS-14 و موشک‌های هوا به هوا شامل AA-10، AA-11، AA-8، فونیکس AIM-54، AIM-9 Sidewinder، Sparrow، موشک‌های PL-7، PL-2؛
 - ۱۷ هواپیمای ترابری، شامل مدل‌های اف-۲۷، کسنا-۱۸۵، ۵۰ بالگرد کبری، ۴۵ بالگرد امداد (مدل چینوک CH-47c، ام ای-۸) و ۱۲۸ بالگرد نقلیه‌ی مدل بل ۲۰۵ و ۲۰۶؛
 - هواپیماهای بدون سرنشین مهاجر ۲، ۳، ۴، و انواع پهبادها؛
 - انواع رادارها و وسایل جنگ الکترونیک جدید.
- عمده‌ی ۱۳ پایگاه هوایی ایران در غرب کشور نزدیک مرزهای عراق مستقر شده‌اند و پروازهای نظامی ایران از این پایگاه‌ها صورت می‌گیرد. با این حال، تهران در اکتبر ۲۰۰۷ ساخت

پایگاه هوایی در شرق کشور را آغاز کرد که تقریباً در ۱۰۰ کیلومتری مرز قرار دارد. این اقدام گویای تغییری مهم در برداشت ایران از تهدیدات علیه خود است. (Taylor, 2009: 7) ایران خود را برای هرگونه تحرک نظامی از پایگاه بگرام افغانستان یا پایگاه‌های آمریکا در آسیای مرکزی آماده می‌کند. به زمین نشان دادن هواپیمای بدون سرنشین آرکیو ۱۷۰ آمریکا در خراسان جنوبی نمونه‌ای از این هوشیاری ایران نسبت به مقابله با نقض حریم هوایی خود است.

نیروی دریایی

آنچه که اهمیت نیروی دریایی را به عنوان یکی از بازوهای اجرایی راهبرد بازدارندگی پرننگ ساخته است، حضور نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان و نیز کنترل کانال اصلی انتقال انرژی جهان (تنگه‌ی هرمز) توسط ایران است. است. آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیروی دریایی ارتش ایران را حدود ۱۸ هزار نفر تخمین زده است. نیروی دریایی ایران شامل چهار بخش زیردریایی، قایق‌های تندرو مجهز به موشک، ناوچه‌های گشتی و واحدهای کمکی از قبیل واحدهای ناوبری دریایی، تفنگداران دریایی و واحدهای کماندوی دریایی است. (Burgess, 2009: 6) نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز حدود ۲۰ هزار نیرو شامل حدود ۵۰۰۰ تکاور دریایی دارد. (Londono, 2011) نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در چهار منطقه‌ی دریایی متمرکز هستند. منطقه‌ی یکم دریایی با پایگاه دریایی شهید باهنر واقع در بندرعباس، منطقه‌ی دوم دریایی با پایگاه شهید محلاتی واقع در بوشهر، منطقه‌ی سوم دریایی مستقر در شمال کشور با پایگاه دریایی نوشهر و منطقه‌ی چهارم دریایی در بابلسر. در کنار این چهار منطقه، پایگاه مستقل دریایی امام علی^(ع) در چابهار، پایگاه تجسس اروند و پایگاه‌هایی در عسلویه، برازجان، بندر جاسک مشغول فعالیت هستند. هم‌چنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پایگاه‌هایی نیز در خلیج فارس، تنگه‌ی هرمز و بسیاری از کانال‌های قابل کشتیرانی واقع در بین جزایر دارد. این پایگاه‌ها شامل اسکله‌ی نفتی هلول، فارسی، سیری، ابوموسی، بندرعباس، خرمشهر، قشم، لاوان و لارک می‌شود. (Haghshenass, 2008) در اختیار داشتن این پایگاه‌های دریایی

در شمال، جنوب غرب و جنوب کشور این امکان را به نیروی دریایی ایران می‌دهد تا هرگونه تهاجم خارجی را دفع نماید. آنچه که این خصوصیت را برای نیروی دریایی موجب شده است تا قابلیت مین‌ریزی، بمب‌گذاری، حمله به کشتی‌ها و اسکله‌ها و کار با تسلیحات متعارف است که کارکنان نیروی دریایی به خوبی از آن برخوردارند. در حال حاضر، عرصه‌ی خلیج فارس و دریای عمان تحت کنترل این نیرو است و در صورت افزایش ناوهای جنگی و تسهیلات نظامی قابلیت عملیات در هر نقطه دیگری را خواهد داشت. (Londono, 2011) این اقدام ایران از سوی رسانه‌های خارجی و تحلیل‌گران آنها عموماً تعبیر به هدف تهران برای خروج آمریکایی‌ها نه تنها از خلیج فارس بلکه از خاورمیانه شده است. مبنای استدلال آنها نیز صحبت‌های محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین است که از برچیدن تمامی پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه سخن گفته بود.

(Agence France-Presse, 2008)

جانز دیفنز ویکلی در ارزیابی سال ۲۰۰۹ خود درباره‌ی توان نظامی ایران می‌نویسد: «اگرچه ادعاها درباره‌ی توان نظامی و تسلیحات ایران تا حدی اغراق‌آمیز هستند و در اصل با هدف بازداشتن آمریکا از هرگونه اقدامی بیان می‌شوند، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شکل و اندازه‌ی کنونی‌اش دارای انگیزه‌ی به‌شدت بالایی است. در میان سایر بخش‌های نظامی ایران این نیرو توان هدایت عملیات‌های ضربه-گریز، انواع مین‌ریزی دریایی، هدف قرار دادن کشتی‌ها با موشک از ساحل با برد تقریبی ۹۰ کیلومتر، تجهیزات دور از ساحل سریع‌السیار و هدایت بسیاری از قایق‌های تندرو برای هدف‌های دریایی و غیرنظامی به‌منظور انسداد تنگه‌ی هرمز با تاکتیک نیروهای متراکم است ... سپاه پاسداران تکیه بر تعداد نفرات رزمی و اصل غافل‌گیری دارد. قایق‌های این نیروی دریایی می‌توانند به‌سرعت در دریا پراکنده شوند و در خورها، بندرگاه‌های ماهی‌گیری کوچک و مکان‌های مستحکم‌شده پناه گیرند.» (Jane's Defense Weekly, 2009) طبق این تحلیل‌ها نیروی دریایی سپاه هدف خود در جنگ نامتقارن را کار بر روی همه‌ی نقاط ضعف دشمن و حداکثر استفاده از قابلیت خود بیان کرده است. (Iran's Navel Forces, 2009) ایران می‌تواند عملیات گسترده علیه نیروهای خارجی

مستقر در منطقه را به‌خوبی هدایت کند. این عملیات شامل قایق‌های حامل مواد منفجره‌ی قابل کنترل از راه‌دور، انبوه قایق‌های تندرو، اژدرهای زیردریایی، انبوه قایق‌ها، زیردریایی‌ها، موشک‌های مختلف و... می‌گردد. بر مبنای دکترین جنگ نامتقارن دریایی ایران اقدام به مسلح شدن مجدد و برنامه‌ی تهیه‌ی جنگ‌افزارهای لازم در طی دهه‌ی اخیر نموده است؛ برنامه‌ای که هدف آن خشی‌سازی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس می‌باشد. ایرانی‌ها دل‌گرم هستند که دفاع متراکم و لایه‌لایه‌ای که ایجاد کرده‌اند، در کنار تاکتیک‌های مربوط و نیز فرهنگ شهادت، هرگونه تجاوز به خاک ایران را دفع و مانع از بروز آن خواهد شد. (Haghshenass, 2008: 20)

نیروی دریایی ایران در حال اضافه نمودن شناورها و زیردریایی‌های جدیدی است، به‌گونه‌ای که باید گفت در بین رقیبان خود در منطقه، رتبه‌ی نخست را دارد. (رک: جدول شماره‌ی ۱) ایران علاوه بر ساخت ناوشکن جماران و به‌کارگیری آن، ساخت انواع جدیدی از تسلیحات را در سال‌های اخیر در دستور کار خود قرار داده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به دو قایق تهاجمی سراج و ذوالفقار اشاره کرد. ذوالفقار با دو لانچر شلیک موشکی برای عملیات‌های سریع علیه شناورهای دشمن و سراج با قابلیت شلیک راکت متناسب با آب و هوای گرمسیری طراحی شده است. (Pouladi, 2010) هم‌چنین ایران زیردریایی‌های نهنگ، طارق، قدیر را طی سال‌های اخیر ساخته و به خدمت گرفته است. (the office of naval intelligence, 2009: 18) علاوه بر ساخت تجهیزات جدید تهران عملیات‌های دریایی خود را نیز توسعه داده است. ایران در سال ۲۰۱۱ عملیات‌های فراسرزمینی در خلیج عدن و دریای سرخ برای مقابله با دزدان دریایی انجام داد و در اوایل سال ۲۰۱۲ دو گروه مجزا را به دریای مدیترانه اعزام کرد. نیروی دریایی ایران، دورترین استقرار فرامنطقه‌ای خودش را در مارس ۲۰۱۳ انجام داد، به‌طوری که در آب‌های چین حضور یافت و برای اولین بار یک زیردریایی ایرانی در دسامبر ۲۰۱۳ به هند رفت. هم‌چنین برخی تحلیل‌های خارجی از کمک ایران به حزب‌الله لبنان برای در اختیار داشتن نیروی دریایی بومی خبر می‌دهند. طبق این تحلیل‌ها این کار به بازدارندگی ایران کمک کرده است. (Fars News Agency, 2008)

جدول شماره ۱ - قابلیت نیروی دریایی ایران برای جنگ نامتقارن

تجهیزات	ایران	عراق	عربستان	بحرین	کویت	عمان	قطر	امارات	یمن
قایق‌های حمل نیرو و مین‌ریز	۸								
زیردریایی	۳								
زیردریایی کوچک	۱۲								
جنگ موشکی بزرگ	۵		۱۱	۳		۲		۲	
سایر جنگ‌های بزرگ	۱								
گشتی موشکی	۵۷		۹	۴	۱۰	۳	۷	۸	۴
سایر گشتی‌ها	۷۶	۱۱	۱۷	۴		۸	۱۰	۶	۱۶
قایق‌های مسلح	۱۱۷	۳۰	۳۹				۱۱	۱۶	۲۰
مین	۷		۷					۲	۱
شناور کوچک	۱۴		۸	۹		۵		۲۸	۳
کشتی آبی‌خاکی	۱۷					۱	۱		۱
پشتیبانی	۲۶		۵	۴	۱	۵		۳	

Source: Adapted from IISS, The Military Balance, various editions; Jane's Sentinel series; Saudi experts

نیروی زمینی

نیروی زمینی ایران شامل دو بخش ارتش و سپاه می‌باشد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در بدو انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی^(ره) تشکیل گردید و در حال حاضر، دارای تقریباً ۱۲۵ هزار نیرو است. (Wilner, 2011: 47) از این تعداد ۱۰۰ هزار نیرو در قالب ۱۵ لشکر نقش اصلی در حفظ امنیت ایران را ایفا می‌کنند. در کنار نیروهای فوق گفته می‌شود قریب یک میلیون نیروی بسیجی نیز در ایران وجود دارد که در صورت نیاز می‌توانند در خدمت دفاع از کشور قرار گیرند. (Katzman, 2009) از این تعداد ۹۰ هزار نفر نیروی رسمی هستند. این نیرو

در طول جنگ ایران و عراق رشادتهای بسیاری از خود به نمایش گذاشت و در حال حاضر، توان و قابلیت‌های آن افزایش یافته است. (Cook and Roshandel, 2009: 54) هم‌چنین سپاه پاسداران نیروی ویژه‌ای تحت عنوان سپاه قدس دارد که تخمین زده می‌شود بین ۵ تا ۱۵ هزار نیرو داشته باشد. منابع غربی مدعی‌اند این نیرو که عملیات‌های برون مرزی ایران را هدایت می‌نماید، نقش مؤثری در حمایت، پشتیبانی، آموزش و کمک مالی به جنبش‌های اسلامی در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، فلسطین، لبنان، بحرین، یمن ایفا کرده و در تشکیل حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس تأثیرگذار بوده است. قرار داشتن این نیرو در خارج از مرزهای ایران و پیوند نزدیک آن با متحدان منطقه‌ای ایران باعث گردیده تا تحلیل‌گران غربی برای آن نقشی ویژه در بازدارندگی ایران قائل شوند. (Taylor, 2009: 10, Wilner, 2011: 48)

علاوه بر نیروی زمینی، ایران دارای ارتشی متشکل از ۳۵۰ هزار نیروی در قالب نیروی زمینی می‌باشد که از این تعداد ۲۲۰ هزار نفر آن را سربازان وظیفه تشکیل می‌دهند که تحت کنترل پنج مرکز فرماندهی قرار دارند. این نیروها شامل ۴ لشکر زرهی، ۶ لشکر پیاده، یک تیپ نیروی ویژه، ۲ تیپ کماندو، یک تیپ هوابرد، ۶ گروه توپخانه و تعدادی گروه‌های هوانیروز است. اگرچه نیروی زمینی ایران در سراسر کشور پراکنده شده‌اند، اما بیش‌ترین تراکم آنها در طول مرزهای ایران و عراق است. از قابلیت‌های ویژه‌ی نیروی زمینی سپاه تاکتیک‌ها و شیوه‌های رزم خاص ایران است که برای بسیاری از فرماندهان نظامی غرب ناشناخته می‌باشد. (Karsh, 2002: 33) این مسأله موجب شده تا هم‌چنان که در عملیات‌هایی هم‌چون بیت‌المقدس، طریق‌القدس، کربلای ۵ و فاو، ارتش عراق با حضور و در اختیار داشتن مشاوران نظامی غرب ضربات مهلکی را متحمل شود؛ بنابراین، پیش‌بینی هرگونه نبردی در آینده نیز سخت و دشوار باشد. (Fayazmanesh, 2008: 38)

بخشی از توانمندی‌های ارتش ایران عبارت است از:

- بیش از ۱۶۹۳ فروند تانک، شامل ۱۶۱۳ تانک جنگی سنگین مدل تی-۷۲، چیفتن، ام-۴۷، ام-۴۸، ام-۶۰، تی-۶۲ و ۸۰ تانک سبک شناسایی؛

- ۳۵ خودروی شناسایی، ۶۱۰ خودروی جنگی زرهی پیاده نظام، و ۶۴۰ نفر زرهی؛
- بیش از ۸۱۹۶ شامل اراده‌ی توپخانه شامل راکت‌های چندگانه، خمپاره‌انداز، توپخانه‌ی کششی و خودکششی؛
- موشک‌های زمین به هوا شامل مدل‌های روسی SA-14، SA-16، SA-7 و چینی QW-1، HQ7 و نیز موشک‌های تاکتیکی زمین به زمین شامل حدود ۱۷۵ قبضه CSS-8 (چینی)، برخی موشک‌های نازعات، عقاب، حدود ۱۸ پرتابگر موشک اسکاد بی و اسکاد سی و بیش از ۳۰۰ موشک؛
- تعدادی موشک بالستیک میان‌برد شاهین - ۸ و ۲ خریداری شده از پاکستان.
(Taylor, 2009: 6)

مشخصه‌های بازدارندگی ایران

مشخصه‌های بازدارندگی ایران را تحت دو عنوان بازدارندگی نظامی سنتی و بازدارندگی موشکی می‌توان بررسی نمود. بازدارندگی نظامی سنتی دربردارنده‌ی گزینه‌هایی هم‌چون دفاع مسطح (موزائیکی)، بهره‌گیری از کمک متحدان راهبردی، تهدید امنیت صدور انرژی، جنگ نامتقارن و عملیات انتحاری می‌باشد.

بازدارندگی نظامی سنتی

از آنجا که تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران در اشکال مختلف خود را بروز می‌دهد، ایران در راهبرد بازدارندگی خویش کوشیده تا متناسب با تهدیدات، راهکارهای جدیدی در پیش گیرد. دفاع مسطح یا دفاع موزائیکی که در اصطلاح نظامی با نام اجبار دشمن به جنگ زمینی شناخته می‌شود، جنگ نامتقارن، عملیات انتحاری و غیره از جمله این راهکارها هستند.

دفاع مسطح (موزائیکی)

دفاع مسطح از جمله راهبردهایی است که از زمان جنگ برای ارتش ایران به یادگار مانده است. تجربه‌ی سال‌های جنگ به برنامه‌ریزان دفاعی ایران اثبات کرد که استفاده از

نیروی زمینی که با سلاح سبک و نیمه سنگین به‌ویژه موشک‌های ضدتانک مجهز شده باشند، تا حدود زیادی جایگزین فقدان تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی می‌شوند، به‌ویژه که شور ایرانی، میهن دوستی و مقابله با تجاوز بیگانه همراه با روحیه‌ی شهادت‌طلبی شیعی از نیروی پیاده‌ی ایرانی، رزمندگان دلاور، مبتکر و بدون ترس از مرگ می‌سازد. سیاست‌های فرهنگی دولت همواره در راستای حفظ روحیه‌ی ایثار و شهادت در میان مردم و زنده نگ داشتن یاد شهدا بوده است. به گفته‌ی سرلشگر رحیم صفوی، فرمانده قبلی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ایران توانسته از طریق نیروی مقاومت بسیج، ۱۲ میلیون بسیجی را سازماندهی و آموزش دهد تا در قالب ۲۵۰۰ گردان عاشورا فعالیت کنند. به گفته‌ی وی «ما در ۵ لایه ارتباطات مخابراتی و الکتریکی با همه‌ی نیروهای بسیج تعامل داریم. ما دفاع مسطح یا دفاع موزائیکی را در ایران سامان داده‌ایم؛ یعنی هر روستایی، هر شهری و هر مکانی که جمعیتی در آن زندگی می‌کنند، اعضای عضو بسیج آن شهر یا جمعیت از مکان خودشان می‌توانند دفاع کنند». (روزنامه‌ی اعتماد ملی، ۸۶/۵/۲۷)

در حال حاضر و با تغییر و تحولاتی که در سطح فرماندهان نظامی در ارتش و سپاه صورت گرفته، جمهوری اسلامی توجه خود را نسبت به دفاع مسطح و آماده‌ساختن نیروهای لازم برای چنین راهبردی بیش‌تر ساخته است. سرلشگر حسن فیروزآبادی در جلسه‌ی معارفه محمدباقر ذوالقدر به سمت معاونت ستاد کل نیروهای مسلح، در اهمیت این راهبرد و برداشتن گام‌های لازم برای آن اشاره کردند که در راهبرد دفاعی که امام خمینی^(ره) همواره مدنظر داشتند، بر توجه به نقش مردم تأکید می‌شد. فرمایش رهبری در خصوص ارتقای ارتش ۲۰ میلیونی به بسیج ده‌ها میلیونی نیز تأیید مجددی بر تداوم این راه است. او تصریح کرد که «از توان مردم در تأمین سامانه‌ی امنیتی و دفاعی باید استفاده شود و در این زمینه، باید به‌نحوی تلاش شود که توان سپاه سه برابر افزایش یابد. نیروی مقاومت و سپاه با همه‌ی توان موظف هستند در بسیج خدمت کنند و انتصاب فرمانده جدید در سپاه برای تقویت بسیج و سازماندهی قوی‌تر نیروهای دفاعی مردمی بوده است.» (روزنامه‌ی اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۹/۲۶) تأکید

برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی کشور بر افزایش تعداد نیروهای بسیجی در کشور نیز نشان از جایگاه این مشخصه در راهبرد نظامی ایران دارد.

به نوشته‌ی یک منبع اسرائیلی، ایران قصد دارد تا آمریکا را از طریق جنگ فرسایشی، بهره‌گیری از آسیب‌پذیری‌های روانی آمریکایی‌ها در مورد تعداد تلفات زیاد شکست دهد. این منبع می‌افزاید که قابلیت‌های نظامی ایران این ذهنیت دفاعی را ایجاد می‌کند تا ایران به دنبال کسب بازدارندگی در برابر حملات باشد و نه پیروزی در جنگ به‌وسیله‌ی غلبه‌ی نیروها. (Rubin, 2006: 1)

ظرف چند سال گذشته آمریکا که تا پیش از آن کیلومترها با ایران فاصله داشت، حضور خود در منطقه و مجاورت مرزهای ایران را بیش‌تر ساخت. اکنون آنها به ایران بسیار نزدیک هستند و این امر می‌تواند دسترسی ایرانی‌ها برای کشتن آنها را آسان‌تر کند. به عقیده‌ی کوردزمن، کارشناس مسائل راهبردی، این خطر زمانی چند برابر می‌شود که در نظر بگیریم که ایران دارای ۱۲۵۰۰۰ نیروی نظامی شاغل در سپاه و ۵۰۰۰ نیروی اختصاص داده شده برای جنگ‌های نامتعارف است. وی در این باره می‌نویسد: «نیروهای عضو سپاه قدس ایران که آموزش‌های نظامی متعددی را دیده‌اند، از این توان برخوردارند تا در موقعیت‌های مختلف نیروهای آمریکایی را مورد حمله قرار دهند. توان، شجاعت، روحیه‌ی بالا و اعتقادات مذهبی، میهن‌پرستی و اطاعت‌پذیری شدید از فرامین آیت‌الله خامنه‌ای از جمله شاخص‌هایی هستند که آنها را بر حریفان خود چیرگی می‌بخشند.» (Cordesman (A), 2007: 82)

با وجود توان بالای نیروهای زمینی جمهوری اسلامی ایران در انجام دفاع مسطح و مشارکت دادن مردم در این راهبرد، باید در نظر داشت راهبرد دفاع مردمی نقش پشتیبانی از راهبرد زمینی کشور و گاهی اوقات جایگزینی آن را ایفا کرده است. بنابراین، از این پس برای انجام هرگونه مأموریت راهبردی احتمالی باید نقش یک نیروی حرفه‌ای مستقل و در صورت ایجاب، یگان‌های ویژه‌ی واکنش سریع را در مرزها ایفا کند. (سعیدآبادی، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۷)

استقرار ۶۰۰ واحد رزمی جدید تحت عنوان گردان‌های امام حسین^(ع) با هدف ارتقای سطح توان و آمادگی رزم واقعی نیروی زمینی سپاه با اتصال یگان‌های رزم به منبع پایان‌ناپذیر بسیج از طریق آموزش، سازماندهی و به‌کارگیری بسیجیان در جهت تحقق و توسعه‌ی یک به سه گردان‌های امام حسین^(ع) در سراسر کشور تا حدی این دغدغه را پوشش می‌دهد. سرتیپ پاسدار محمدرضا زاهدی، فرمانده سابق نیروی زمینی سپاه، با برشمردن «شرایط امنیتی شدید» و «تهاجمات خارجی» به‌عنوان علل تشکیل این گردان‌ها در توصیف آن گفت: «گردان‌های امام حسین^(ع) در کنار نواحی و حوزه‌های مقاومت و متناسب با مراکز جمعیتی و ترکیب آن مستقر می‌شوند و مأموریت اصلی آنها آموزش نظامی بسیجیان برای آمادگی مقابله با شرایط امنیتی شدید و سامان‌یافته و تهاجمات خارجی است.» (صفاری، ۱۳۸۶)

هدف قراردادن متحدین آمریکا در منطقه و جهان

یکی دیگر از جنبه‌های بازدارندگی نظامی ایران تهدید کشورهای همسایه به تلافی همکاری با آمریکا در حمله به ایران می‌باشد. هدف از این سیاست در درجه‌ی اول فرستادن این پیام برای کشورهای همسایه است که ایران به‌دنبال تجاوز به خاک هیچ کشوری نمی‌باشد، اما نمی‌تواند بپذیرد که خاک کشور همسایه‌اش به مأمنی برای دشمنانش در حمله به ایران تبدیل شده است. بنابراین، در صورتی که این کشورها با ایالات متحده همکاری نمایند، باید انتظار پاسخی قاطع و سریع از جانب ایران را داشته باشند. خبرگزاری عصر ایران در گزارشی که آذر ماه ۱۳۸۶ منتشر کرد، مدعی شد که دولت ایران به‌دنبال افزایش تهدیدات حمله‌ی نظامی به برخی همسایگان خود به‌خصوص کشورهای عربی درباره‌ی همکاری آنها با آمریکا در حمله‌ی احتمالی به ایران اولتیماتوم داده است. (اولتیماتوم ایران به کشورهای همسایه، ۱۳۸۶)

آنچه که بر میزان نگرانی کشورهای همسایه‌ی ایران و متحدین غرب در منطقه می‌افزاید، از یک سو برخی اظهارنظرها در داخل ایران می‌باشد که به بخشی از آنها اشاره گردید و از سوی دیگر، جوسازی‌های مکرر رسانه‌های غرب جهت تخریب روابط ایران با همسایگان خود که می‌کوشند برنامه‌ی هسته‌ای ایران را تهدیدی برای این کشورها معرفی نمایند.

روزنامه‌ی دیلی تلگراف چاپ لندن در سال ۲۰۰۷ در گزارشی ادعا کرد که ایران یک پایگاه جاسوسی پیشرفته در شمال آب‌های خلیج فارس مستقر کرده است. به گفته‌ی این روزنامه، این پایگاه که توسط سپاه پاسداران ایران طرح‌ریزی و در آب‌های خلیج فارس ساخته شده، دارای یک مرکز جاسوسی فنی پیشرفته است که در نزدیکی نقطه‌ای که نیروهای ایرانی در ماه مارس ۲۰۰۷ پانزده ملوان انگلیسی را دستگیر کردند، واقع شده است. به نوشته‌ی دیلی تلگراف در صورت حمله به ایران چنین پایگاه‌های جاسوسی می‌توانند بخشی از راهبرد ایرانی‌ها برای آغاز حملات چریکی یا نامتقارن به منافع غربی را تشکیل دهند. (Chamberlain, 2007) لاورنس جی گلدشتاین نیز معتقد است در صورت حمله‌ی آمریکا به تهران فعالیت‌های ایران به منطقه‌ی خلیج فارس محدود نمی‌گردد. لبنان صحنه‌ی اصلی عملیات این کشور به‌شمار می‌رود. حزب‌الله ابزار مؤثری برای ایران در تحریک آمریکا و اسرائیل به نشان دادن واکنش بیش از حد که به اعتبار آنها در منطقه لطمه می‌زند، محسوب می‌شود که نمونه‌ی این مورد عملیات تهاجمی «خوشه‌های خشم» در آوریل ۱۹۹۵ است. «ایران به‌خوبی آگاه است که اوج‌گیری حملات حزب‌الله به افزایش اعتبار آن در اکثر کشورهای عربی می‌انجامد.» گلدشتاین می‌افزاید: «ایران به‌غیر از گوشمالی دادن آمریکا در لبنان یادآوری کرده است که چنان‌چه آمریکا به ناآرامی دامن بزند، روزهای بد گذشته باز خواهند گشت.» (گلدشتاین، ۱۳۷۹: ۲۱۳-۱۲۱)

کوردزمن مدعی است: «ایران ترکیب وسیعی از نیروهای نامتعارف در خلیج فارس ایجاد کرده است که می‌توانند همسایگانش را به اشکال مختلف جنگ‌های نامتقارن، شامل جنگ‌های فرسایشی کم‌شدت به چالش بکشند. این موارد دربرگیرنده‌ی طیف وسیعی از عوامل نیروهای منظم و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم‌چنین تعدادی از اعضای وزارت اطلاعات و امنیت که بعد از انقلاب جایگزین سازمان اطلاعات و امنیت ملی (ساواک) شدند، می‌شود. وزارت اطلاعات و امنیت در سال ۲۰۰۶، حدود ۱۵ هزار کارمند غیرنظامی استخدام کرد که وظیفه‌ی اصلی این نیروها جمع‌آوری اطلاعات و انجام عملیات در خاورمیانه، آسیای مرکزی هم‌چنین اطلاعات داخلی و نظارت بر مقامات مذهبی و دولتی و نیز پیش‌گیری از توطئه‌های

ضدجمهوری اسلامی است.» (Cordesman(B), 2007: 4) این تحلیل‌ها در اثبات گفته‌های خود به ترورهای انجام‌شده علیه شهروندان یهودی در بلغارستان، هند، تایلند و گرجستان اشاره می‌کنند و آن را پاسخی از سوی ایران به ترور دانشمندان هسته‌ای خود توسط اسرائیل می‌دانند. (Abramowitz and others, 2013: 36)

از آنجا که در حمله‌ی احتمالی آمریکا به ایران، انگلیس و اسرائیل جزو متحدین اصلی در کنار این کشور خواهند بود، طیفی از تحلیل‌های سیاسی ناظر بر واکنش تلافی‌جویانه‌ی ایران علیه این کشورهاست. درک ساندس^۱ می‌نویسد: «تردیدی ندارم که این کشور (ایران) به هر نحوی به حمله‌ی آمریکا واکنش خواهد داد. معتقدم چند اقدام تلافی‌جویانه علیه نیروهای آمریکایی و منافع این کشور در منطقه صورت خواهد گرفت و تصور می‌کنم اسرائیل نیز شامل این امر شود و هر کشوری که از این دو حمایت کند نیز احتمالاً مورد هدف قرار خواهد گرفت.» (Sands, 2007: 1) هم‌چنین ریچارد کمپ مشاور ارشد نخست‌وزیر سابق انگلیس در امور تروریسم اشاره می‌کند: «حزب‌الله اقدام به تشکیل شبکه‌هایی در انگلیس کرده و چنانچه ایران مورد حمله قرار گیرد، این شبکه‌ها آماده‌ی انجام اقدامات تلافی‌جویانه در انگلیس هستند.» (Groves, 2007: 1) یکی از مشکلاتی که استفاده از این تاکتیک از سوی ایران را با دشواری مواجه می‌کند، گسترده‌شدن دامنه‌ی جنگ ایران و آمریکا به کشورهای همسایه‌ی ایران است. اگرچه اقدام نظامی ایران علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا خطر جدی را متوجه اتباع کشورهای منطقه نمی‌کند، اما از آنجا که پیمان‌های نظامی آنها با آمریکا مستلزم حمایت و پشتیبانی این کشورها از آمریکا به هنگام ضرورت است و دولت‌های منطقه، این پایگاه‌ها را بخشی از خاک و تمامیت ارضی خود می‌دانند، به‌طور طبیعی ملزم به واکنش هستند. این امر می‌تواند بر روابط این کشورها با ایران تأثیر منفی گذارد. مشکل دیگر به این مسأله بازمی‌گردد که ایالات متحده به غیر از روسیه، ارمنستان و ترکمنستان در سایر کشورهای

1 - Derek Sands

منطقه، دارای پایگاه نظامی است. گزینش از میان این اهداف تصمیم دشواری است که با توجه به عواقب آن از هم اکنون می‌بایست چاره‌ای برای آن اندیشید.

در حالی که بسیاری از مفسران نظامی توان نظامی ایران را نوعی قدرت‌نمایی منطقه‌ای و دارای تأثیرات بازدارندگی و رفع تهدیدات منطقه‌ای از جانب همسایگان کوچک‌تر آن ارزیابی می‌کنند، در خصوص کارایی آن در برابر قدرت‌های بزرگ شک و تردید وجود دارد. انتونی کوردزمن عضو مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی در این باره می‌گوید: «ایران ضعیف نیست، اما اگر با مقاومت مؤثر از سوی همسایگانش و آمریکا مواجه شود، توانایی انجام یک تهاجم بزرگ یا هژمون منطقه‌ای شدن را ندارد.» (cordesman (e), 2007)

بهره‌گیری از کمک متحدان خود در منطقه

یکی دیگر از جنبه‌های بازدارندگی ایران تهدید دشمنان به وارد کردن خسارت‌های جبران‌ناپذیر از طریق متحدان خود حتی در صورت از بین رفتن توان نظامی داخل می‌باشد. ایران بارها تأکید کرده است که حمله به ایران کل خاورمیانه را به آتش خواهد کشید، چرا که جنگ آمریکا علیه ایران تنها به ایران محدود نمی‌شود و بر خلاف تصور کارشناسان نظامی آمریکا جنگی کوتاه مدت نخواهد بود. ایران در جنگ با آمریکا برای خود هیچ محدودیتی قائل نیست و در هر کجا که توان داشته باشد چه به صورت مستقیم چه از طریق متحدان خود ضربه خواهد زد. منظور از متحدان در اینجا تنها صرف بازیگران دولتی هم‌چون سوریه و فلسطین نیست، بلکه تمامی جنبش‌های اسلامی و مردمی را که برای احقاق حق خود بر ضد سیاست‌های آمریکا می‌جنگند و با ایران دارای ارتباط هستند، دربر می‌گیرد. در رأس همه‌ی این جنبش‌ها، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی قرار دارند. از این‌رو، در بازدارندگی ایران که از جنس اعمال مجازات متقارن و نامتقارن گسترده می‌باشد، حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌ها به‌عنوان ابزاری برای راهبرد منطقه‌ای ایران خدمت می‌کنند و نقش محوری در دیپلماسی هسته‌ای ایران بازی می‌کنند. (Ganji, 2007: 22)

تحولات اخیر کشور سوریه به خوبی نشان داده است که چگونه قرار گرفتن نیروی حزب الله در کنار اسد توانست این رژیم را بر مخالفان وی برتری بخشد و پیروزی‌های چشم‌گیری در میدان نبرد کسب نماید. اگر حزب الله و حماس تصمیم بگیرند تا در جهت خواست ایران دست به اقدام بزنند، آنها می‌توانند با راکت‌ها و موشک‌های خود خسارت قابل توجهی به اسرائیل وارد کنند. قابلیت نظامی حزب الله در حال حاضر بیش از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ است و طبق منابع اسرائیلی تخمین زده می‌شود که حدود ۵۰ هزار موشک و راکت در اختیار دارد. چنین توان نظامی و احتمال به‌کارگیری آن در حمایت از ایران موجب گردیده تا شک و تردیدهای بسیاری در خصوص به‌کارگیری اقدام نظامی علیه ایران نزد مقامات سیاسی و نظامی آمریکا پدید آید. (Abramowitz and others, 2013: 36) علی‌رغم این نگرانی در خارج از ایران برخی تحلیل‌ها در داخل ایران بر اهمیت خودیاری و عدم اتکا به متحدان منطقه‌ای تأکید دارند. (خرازی، ۲۰۰۸)

تهدید امنیت صدور انرژی

خلیج فارس دارنده‌ی بیش از ۶۰ درصد ذخایر اثبات‌شده‌ی نفت جهان است و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد. (Cordesman (C), 2004: 2) این درحالی است که بقیه‌ی جهان یعنی ۹۵٪ جمعیت این کره‌ی خاکی فقط ۳۵٪ ذخایر را دارند. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۲۳) طبق برآوردها، اقتصاد جهانی تا آینده‌ی قابل پیش‌بینی هم‌چنان به انرژی نفت وابسته خواهد ماند. بر اساس جدول شماره‌ی ۲، میزان تقاضای جهانی برای نفت از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۵ سالانه ۱/۹ درصد افزایش خواهد یافت و از ۹۴/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۱۱۹/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت که بیش‌ترین رشد طی این دوره به ترتیب مربوط به کشور چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی و پاسیفیک خواهد بود. (<http://tonto.eia.doe.gov>)

جدول شماره ۲ - چشم انداز تقاضای نفت خام در مناطق مختلف جهان ۲۰۲۵-۲۰۱۰م

منطقه	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	میانگین رشد سالانه (درصد)
کشورهای توسعه یافته	۴۷/۷	۵۰/۱	۵۲/۲	۵۴/۶	۱
آمریکای شمالی	۲۷/۲	۲۹/۲	۳۱/۱	۳۲/۹	۱/۴
اروپای غربی	۱۴/۱	۱۴/۳	۱۴/۴	۱۴/۹	۰/۳
ژاپن	۵/۳	۵/۴	۵/۴	۵/۳	۰
کشورهای در حال گذار	۶/۳	۶/۷	۷/۲	۷/۶	۱/۴
اتحاد شوروی سابق	۴/۷	۴/۹	۵/۲	۵/۵	۱/۳
اروپای شرقی	۱/۶	۱/۸	۱/۹	۲/۱	۱/۷
کشورهای در حال توسعه	۴۰/۶	۴۶/۳	۵۱/۶	۵۷	۳
چین	۹/۲	۱۰/۷	۱۲/۳	۱۴/۲	۴/۵
هند	۳/۱	۳/۷	۴/۲	۴/۹	۳/۵
سایر آسیا	۷/۹	۹/۲	۱۰/۴	۱۱/۶	۳/۲
خاورمیانه	۷/۳	۸	۸/۶	۹/۲	۲/۷
آفریقا	۳/۷	۴/۳	۴/۶	۴/۹	۲/۷
آمریکای جنوبی و مرکزی	۶/۸	۷/۸	۸/۵	۹/۳	۲/۵
کل جهان	۹۴/۶	۱۰۳/۲	۱۱۱	۱۱۹/۲	۱/۹

Source: EIA (International Energy Outlook), July 2010

آمار و ارقام بازار جهانی نفت نشان می دهند که علی رغم پیشرفت های فناورانه در ۲۰ سال آینده تقاضای ایالات متحده برای نفت به طور مداوم افزایش خواهد یافت. بر این اساس، پیش بینی می شود تقاضای آمریکا برای نفت در فاصله ی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ چهل درصد افزایش یابد. (Stevens, 2002: 17) این افزایش تقاضا تنها مختص ایالات متحده نیست. طبق پیش بینی آژانس بین المللی انرژی در سال ۲۰۰۲ میزان تقاضای جهانی برای نفت تا سال ۲۰۳۰

به مقدار دو سوم افزایش می‌یابد و به ۱۷ میلیون بشکه در روز یا سالانه ۱۵/۳ میلیارد تن می‌رسد. بخش اعظم این تقاضا متعلق به کشورهای در حال توسعه خواهد بود. تقاضای نفت این گروه در این دوره، ۶۲ درصد افزایش خواهد یافت. بیش‌تر نفتی که عموماً از تنگه‌ی هرمز عبور می‌کند (حدود ۱۷ میلیون بشکه در روز) به آسیا مخصوصاً ژاپن، چین و هند و غرب (از طریق خطوط لوله و کانال سوئز) ارسال می‌شود. هم‌چنین جدای از نفت، منطقه‌ی خلیج فارس ذخایر عظیم گاز طبیعی (۲/۶۴۲ تریلیون فوت مکعب) (۴۵ درصد کل ذخایر کشف‌شده‌ی جهان) را دارد که سهم ایران از آن ۱۵/۳ درصد (۹۷۰/۸ تریلیون فوت مکعب) است.^۱

(Cordesman (B), 2007: 2)

خط ساحلی ایران در صدور این انرژی‌ها نقش حیاتی بازی می‌کند، زیرا تانکرها و نفتکش‌ها از مسیرهایی عبور می‌نمایند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاه‌های نیروی دریایی آن در خلیج فارس است. این حساسیت بالا و تهدیدهای ایران به انسداد تنگه‌ی هرمز در صورت هرگونه حمله‌ی نظامی علیه ایران، اکنون یکی از دغدغه‌های کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی برای تضمین امنیت صدور انرژی شده است. (Plesch, 2007: 68)

اگرچه در صورت بسته شدن تنگه‌ی هرمز استفاده از مسیرهای جایگزین امکان‌پذیر است؛ اما این مسیرها طولانی‌تر و پرهزینه‌تر هستند. در حال حاضر، به‌طور تقریبی روزانه ۵ میلیون بشکه نفت با خطوط لوله‌ی شرق به غرب از طریق عربستان به بندر ینبع^۲ و گاز مایع طبیعی بقیق^۳ - ینبع^۳ به دریای سرخ منتقل می‌شود. توافقاتی برای ساخت خطوط لوله‌ی راهبردی جدید از طریق عمان به بندری در خلیج فارس صورت گرفته است، اما هم‌چنان بهترین مسیر حمل نفت از طریق نفتکش است. جدای از تهدیدات ایران آنچه که نگرانی کشورهای منطقه و واردکنندگان نفت را

۱ - سازمان اطلاعات انرژی، ذخایر گاز منطقه‌ی خلیج فارس در سال ۲۰۰۶ را ۲/۵۰۹ تریلیون فوت مکعب و سهم ایران را ۹۷۴ تریلیون فوت مکعب اعلان نموده است.

2 - Yanbu

۳ - بقیق - ینبع (Bqaiq-Yanbu): گاز طبیعی از شهر بقیق واقع در استان شرقی عربستان به ینبع بندری در استان مدینه در مجاورت دریای سرخ منتقل می‌گردد.

بیش تر می‌کند، تحرکات نظامی ایران در دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز می‌باشد. ایران حدود ۱۴۰ گارد ساحلی و قایق گشت زنی^۱ شامل ۱۱ قایق گشت زنی موشکی کمان کلاس ساخت فرانسه^۲ با ۲ تا ۴ موشک ضدناو CSS-N4/yj1 دارد. اینها موشک‌هایی با سوخت جامد، کم ارتفاع، بردی بین ۴۲ تا ۵۲ کیلومتر و کلاهک‌های ۱۶۵ کیلوگرمی هستند که قابلیت گریز از رادار همانند موشک‌های اگزوسه^۳ را دارند و می‌توانند به هنگام جنگ به کشتی‌های غیرنظامی، نفتکش‌ها و تأسیسات نزدیک به ساحل آسیب برسانند. ایران حتی ممکن است بسیار بیش تر از آنچه ادعا می‌شود، موشک‌های چینی و روسی پیشرفته داشته باشد. هم‌چنین تهران در حال ساخت موشک‌های پیشرفته‌ی ضداهداف ثابت و ضدناو است. (Cordesman (B), 2007: 3) ایران در رزمایش پیامبر اعظم^(ص) ۲ موشک فاتح ۱۱۰، تندر ۶۹، کوثر و نور را که موشک‌هایی از نوع برد کوتاه و ضدکشتی (برد ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر) هستند، آزمایش کرد. با توجه به باریکی آبراه خلیج فارس به‌خصوص در تنگه‌ی هرمز که ۳۴ کیلومتر (۲۲ مایل) بیش تر نیست، موشک‌های نور و کوثر توانایی رسیدن به هر هدفی در هر نقطه از آب‌های خلیج فارس را خواهند داشت. (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱) موشک کوثر گفته می‌شود قابلیت فرار از رادار و موشک‌های ضد موشک را دارد و هیچ کشتی جنگی نمی‌تواند آن را بیابد.

ایران هم‌چنین ۲۰ هزار نیروی دریایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارد که ۵۰۰۰ نفر از این نیروها تفنگدار دریایی هستند. این شاخه‌ی سپاه ۱۰ قایق کشتی مجهز به موشک هودونگ^۴ مدل CSS-N-8/C-802N- J2 با قابلیت حمل کلاهک ۱۶۵ کیلوگرمی و سیستم هدایت اینرسی و نهایت برد ۱۲۰ کیلومتر دارد. تهران موشک‌های ضد موشک CSS-C-3/HY-2/Sea Eeagle/searsuker زمین‌پایه‌ی متحرک را دارد که می‌تواند به سرعت در سواحل ایران یا جزایر نزدیک به دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز مستقر شود. این سیستم‌ها بردی حدود ۹۵ تا ۱۰۰

1 - Light Patrol Boats

2 - Franch – designed Kaman-classes Missile Patrol Boats

3 - Exocet

4 - Hodung

کیلومتر دارند و می‌توانند کلاهکی بسیار بزرگ را با خود حمل کنند. مشخصه‌ی مهم این موشک‌ها سیستم هدایت خودکار آنها می‌باشد.

سپاه پاسداران تعداد زیادی قایق‌های گشت‌زنی مجهز به پرتابگرهای موشک، موشک‌های زمین به هوا و موشک‌های هدایت‌شونده‌ی ضد زره دارد. سپاه معمولاً کشتی‌های غیر نظامی کوچک و ناوچه‌ها را در عملیات‌های غیرمتعارف در تمرین‌های مختلف شامل مین‌ریزی و تهاجم به تأسیسات دور از ساحل استفاده می‌کند. این نیروها که در اکثر بنادر جنوبی و شمالی ایران مستقرند، می‌توانند به سرعت متفرق و در پناهگاه‌ها و سایت‌های مستحکم پنهان شوند. شناورهای کوچک به سختی می‌توانند توسط رادار حتی در وضعیت عادی دریا شناسایی شوند و کشتی‌های غیرنظامی می‌توانند به آسانی پرچم خود را تغییر دهند و در میان کشتی‌های تجاری پنهان شوند. (Cordesman (B), 2007: 2)

با وجود همه‌ی این تفاسیر، کارشناسان نظامی معتقدند که گزینه‌ی مسدود کردن تنگه‌ی هرمز اگرچه جزو راهبردهای ایران برای مقابله با حمله‌ی احتمالی آمریکا می‌باشد، اما گزینه‌ی نخست ایران نیست. پیتر بروکز^۱، کارشناس امنیت ملی مؤسسه‌ی تحقیقاتی هریتیج، بر این نظر است که «ایران انبوهی از گزینه‌ها را در اختیار دارد. از گزینه‌های سستی گرفته تا گزینه‌های غیرمتعارف و از موشک گرفته تا تروریسم که امکان استفاده از همه‌ی این گزینه‌ها برای تلافی حمله‌ی آمریکا وجود دارد. با این حال، اقتصاد ایران در وضع دشواری قرار دارد و تصور نمی‌کنم تهران بتواند تنگه‌ی هرمز را مسدود کند، اما قطعاً توانایی غرق کردن حداقل یک نفتکش را خواهد داشت.» (Sands, 2007)

آنتونی اچ. کوردزمن، کارشناس مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل آمریکا نیز معتقد است، ایران نمی‌تواند برای بیش از چند روز یا دو هفته تنگه‌ی هرمز را ببندد تا رفت و آمد کشتی‌ها و نفتکش‌ها را متوقف کند، اما در مقابل می‌تواند عبور نفتکش‌ها را مختل و باعث ایجاد شوک در بازارهای نفت شود. وی می‌نویسد: «ایران نمی‌تواند تنگه‌ی هرمز را برای بیش

از چند روز یا دو هفته ببندد، حتی اگر متمایل باشد تا در این راه همه‌ی توان و دارایی خود را فدا کند، انتقام‌های گسترده را تحمل نماید و بالقوه‌ی بسیاری از تأسیسات نفتی و درآمد حاصل از صادرات را از دست دهد؛ چرا که سوء مدیریت اقتصادی ایران این کشور را شدیداً به مشتقات نفتی، واردات کالا و غذا وابسته کرده است.» (Cordesman (B), 2007) با همه‌ی این تفاسیر، تهدید ایران برای جلوگیری از حمل و نقل نفت از طریق تنگه‌ی هرمز در صورت عملی شدن می‌تواند عرضه‌ی انرژی جهانی را مخل کند و باعث افزایش قیمت نفت گردد. (Cohen, 2012: 1)

جنگ نامتقارن^۱

جهانی شدن، فناوری، و ارتباطات تحول عظیمی در جنگ و ابزارهای آن پدید آورده است، به طوری که فاصله و شکاف بسیاری در میان کشورهای ضعیف یا در حال توسعه با کشورهای پیشرفته به لحاظ توانمندی‌های نظامی و تسلیحاتی پدید آمده است. توسل آمریکا به جنگ اطلاعات، جنگ الکترونیک، جنگ روانی یا بمب‌هایی هم‌چون «مادر بمب‌ها» (بمب ۵۰۰ تنی) که عراق و افغانستان شاهد گوشه‌هایی از آن بودند، این امکان را به مهاجمان می‌دهد تا ظرف مدت کوتاهی پایتخت کشور هدف را اشغال کنند، اما به همان میزان که قدرتمندان به سلاح‌های پیشرفته‌تری دست یافته‌اند، ضعفاً نیز در شیوه‌ی جنگی خود تجدیدنظر نموده و کوشیده‌اند تا راهبرد خود را متمرکز بر نقاط ضعف حریف نمایند. (Arreguin -Toft, 2001: 93-128) یکی از روش‌هایی که در جنگ‌های متأخر کشورهای ضعیف برای مقابله با دشمنان قدرتمند به آن توسل گرفته‌اند، جنگ نامتقارن است. منظور از جنگ یا راهبرد نامتقارن استفاده از آسیب‌پذیری‌های طرف مقابل و اجتناب از نقاط قوت نظامی آن می‌باشد. این کار با وارد کردن خسارت‌های سنگین در بخش‌هایی مانند مراکز جمعیتی، کارخانجات تصفیه‌ی آب، کارخانجات هیدروالکتریک، سدها و کارخانه‌های تولید نیرو و یا خرابکاری در سیستم‌های اطلاعاتی طرف مقابل شکل می‌گیرد. (خلیل‌زاد و یان لسر، ۱۳۷۶: ۲۵۴)

1 - Asymmetric Warfare

آنتونی اچ. کوردزمن مشخصه‌ی جنگ نامتقارن را این‌گونه برمی‌شمرد: «به‌کارگیری رهیافت‌های جدید برای جنگیدن در جایی که هر یک از طرفین به نحو افراطی ترکیب‌های مختلفی از راهبرد، تاکتیک و شیوه‌های جنگی را به‌کار می‌گیرند تا از ضعف حریفشان بهره‌برده، در عین حال نقاط ضعف و آسیب‌پذیری خود را به حداقل برسانند.» (Cordesman(D), 2007: 14-15) جنگ نامتقارن و توانایی به‌کارگیری «انقلاب در امور نظامی» به این کشورها امکان سود بردن از نتایج تا زمانی را که جنگ بر حسب نیروهای درگیر آن نسبتاً متعارف باقی می‌ماند، می‌دهد. با این حال، برخی دولت‌ها با بی‌تفاوتی از این سود به نفع همسایگان نیرومندتر یا قدرت‌های خارجی چشم‌پوشی می‌کنند و این حتی برای برخی بازیگران غیردولتی نظیر سازمان‌های تروریستی و افراطی نیز صادق است. در نهایت این‌که تاکتیک‌های جایگزین و ضد راهبردهایی وجود دارد که دولت‌ها و قدرت‌های ضعیف نظامی می‌توانند استفاده کنند تا تاکتیک‌های انقلاب در امور نظامی را که تاکنون در جنگ افغانستان، عراق، مناقشه‌ی اسرائیل - فلسطین، سرنگونی قذافی و جنگ سوریه به‌کار گرفته شده و در آینده ممکن است در جنگ با ایران استفاده شود، خشی کرد. برای این کار آنچه که بیش از هر چیز لازم است، عوامل انسانی و داشتن نیروهای تحصیل‌کرده‌ی آموزش دیده و مجرب برای انطباق با اشکال جدید جنگ است. کیفیت نیروی انسانی یک فاکتور نامحسوس است که به آسانی قابل محاسبه نیست، اما برای موفقیت در رویارویی با تحول در شرایط جنگ، حیاتی‌تر از سرمایه‌گذاری در تجهیزات و فناوری است. (Cordesman (D), 2007: 15) با درک این نکته، جمهوری اسلامی ایران بخش عمده‌ای از توان خود را در آموزش نیروهای نظامی برای هر دو گونه جنگ منظم و نامنظم قرار داده است. سرتیپ رضا قرائی آشتیانی، جانشین فرمانده کل ارتش، در اظهارنظری در این خصوص گفت: «نوع حرکت ما به‌گونه‌ای است که ارتش منظم و کلاسیک ما می‌تواند در غالب نیروهای نامنظم نیز به‌کار گرفته شود و تجهیزات و سلاح متناسب با نوع تهدید را تنظیم کند. در این باره، آرایش زمینی و پدافند هوایی از جمله کارهایی است که صورت گرفته است.» (B)(www.agahsazi.com)

محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه نیز در ۹ اکتبر ۲۰۰۵ به خبرگزاری رسمی ایرنا چنین اظهار داشت: «از آنجایی که احتمالاً دشمن از نظر فناوریانه، پیشرفته‌تر از ایران است، ما از آنچه شیوه‌های

جنگ نامتقارن نامیده می‌شود، استفاده خواهیم کرد. ما از تمرین‌های لازم استفاده کرده‌ایم و نیروهای مان در حال حاضر به خوبی برای این امر آماده هستند.» (Quoted by Engdahl, 2006)

مقامات آمریکایی و تحلیل‌گران غربی بر این عقیده‌اند که ایران خود را برای جنگی قریب‌الوقوع با آمریکا آماده ساخته و با استفاده از روش‌های جنگ چریکی و نامتقارن ضد اهداف آمریکا و ناتو در سراسر دنیا یک ضد حمله‌ی حساب‌شده را به راه خواهد انداخت. ویلیام اینگدال پاسخ ایران را شامل موارد زیر می‌داند:

- فعال کردن شبکه‌های آموزش دیده‌ی حزب‌الله لبنان؛
- فعال کردن امکانات قابل ملاحظه‌ی ایران در عراق به‌طور بالقوه در اتحاد دو فاکتو با مقاومت سنی این کشور؛
- افزایش پیوندهای غیررسمی با گروه قدرتمند حماس؛
- تحریک دو میلیون شیعه‌ی عرب در استان‌های شرقی عربستان در اطراف رأس‌التنوره؛
- فعال کردن بخش‌های خاموش ترور علیه اسرائیل؛
- تحریم فوری عرضه‌ی روزانه‌ی ۴ میلیون بشکه نفت؛
- انسداد تنگه‌ی هرمز (محل عبور ۴۰ درصد کل جریان نفت جهان) و غرق کردن سوپرتانکرهای حامل نفت؛
- بهره‌گیری از عامل جمعیت و جغرافیا در جنگ. (Engdahl, 2006)

البته برخی از تحلیل‌گران پاسخ ایران را بسیار شدیدتر از موارد فوق و دست زدن به حوادث تروریستی با قابلیت‌های سلاح‌های غیرمتقارن و دکتترین آن در شرایطی که جنگ متقارن توانایی مقابله با تهدیدات آمریکا را ندارد، می‌دانند و از روزی خیر می‌دهند که ایران دست به حملات تروریستی با سلاح‌های کشتار جمعی بزند. (Giles, 2005: 3) با این حال، منتقدان چنین روشی را ناکارآمد می‌دانند، چرا که اولاً تحقق آن بسیار مشکل است و دوم

این که عواقب بسیار خطرناکی برای ایران خواهد داشت که رهبران ایران به آن قطعاً می‌اندیشند. (احتمال درگیری آمریکا و توان دو طرف، ۲۰۰۷) ایران همواره بیان داشته که در صورت بروز جنگ خود را محدود به مرزهای فعلی نخواهد کرد و جنگ را به حوزه‌هایی که خود صلاح می‌داند، خواهد کشاند. (میزگرد پیش‌نیازهای سیاسی امنیتی، ۱۳۸۶)

عملیات استشهادی

اگرچه نام عملیات استشهادی اکنون با انتفاضه‌ی فلسطین شناخته می‌شود، اما عملیات‌هایی از این دست سابقه‌ی طولانی در جنگ میان کشورها دارد. در معروف‌ترین حادثه‌ی پیش از انتفاضه‌ی فلسطین سربازان جنگی ژاپنی در سال ۱۹۴۵ با کوبیدن هواپیمای خود به کشتی‌های پهلو گرفته در بندر پرل هاربر، هیمنه‌ی آمریکا را در هم شکستند، اما از آنجا که این اقدام ژاپنی‌ها با پاسخ شدید بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی همراه گردید، خیلی زود این الگوی جنگی به فراموشی سپرده شد تا این که فلسطینی‌ها توانستند با تعریف شیوه‌های جدیدی برای انجام این کار به الگویی برای سایرین تبدیل گردند. با مؤثر واقع شدن این تاکتیک، اکنون روزانه عملیات‌های انتحاری متعددی در فلسطین، عراق و افغانستان صورت می‌گیرد. در ایران نیز گروه‌ها و افراد داوطلب با تشکیل گردان‌های استشهادیون، این شیوه‌ی مبارزه را به‌عنوان یکی از راه‌های مقابله با تجاوز احتمالی آمریکا به ایران در پیش گرفته‌اند. فرورز رجایی فرمانده گردان‌های استشهادیون ایران در سال ۸۶ از ثبت نام ۶۰ هزار داوطلب عملیات استشهادی در ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام خبر داد. او در مصاحبه با روزنامه‌ی اعتماد گفت: «چنانچه نیروهای دفاعی رسمی کشور به دلایلی نتوانند وظیفه‌ی خودشان را ادامه دهند. اگر نقطه‌ای از کشور اشغال شود، در آن صورت مردم حق دارند علیه اشغالگران اقدام کنند، و اگر در این صورت کشته شوند، شهید محسوب می‌شوند.» (روزنامه‌ی اعتماد، ۸۶/۴/۵) اگرچه این اقدام گردان‌های استشهادی حرکتی داوطلبانه و غیرسازماندهی شده می‌باشد، اما همواره نقش بازدارنده‌ای در دکترین دفاعی ایران بازی کرده است. مقامات آمریکایی که بیش از ۲۰۰۰ کشته در عراق به‌واسطه‌ی این گونه حملات داده‌اند، از این مسئله

بیم دارند که حمله به ایران بتواند ۱۲ میلیون بسیجی ایرانی را به داوطلب عملیات انتحاری علیه آنها در افغانستان و سایر کشورهای منطقه تبدیل کند. آنچه که نگرانی کاخ سفید را بیش تر می‌کند، تزریق این روحیه‌ی شهادت‌طلبی در میان کل نیروهای ارتش ایران می‌باشد. سرتیپ رضا قرائی آشتیانی، جانشین فرمانده کل ارتش، بر این نکته تأکید می‌کند «آموزش نیروهای رزمی در ارتش و شیوه‌ی رفتار آنها در میدان نبرد و انگیزه‌ی شهادت‌طلبی، ارتش ما را از سایر ارتش‌های دنیا متمایز می‌کند، و تمام نیروهای ما با ایمان و انگیزه و عشق به ولایت حاضر هستند جان خود را در طبق اخلاص گذاشته به مردم هدیه کنند.»

(C)(www.agahsazi.com)

بدین ترتیب، آنچه که سربازان ایرانی را در رویارویی با دشمنان تشجیع می‌کند، ایمان قوی آنها و این احساس است که هیچ لذتی بالاتر از شهادت نیست. سیدمحمد خرازی، دبیرکل حزب‌الله ایران، در هشدار به کشورهای غربی این احساس را این‌گونه تشریح می‌کند: «من لحظه شماری می‌کنم برای آن روزی که یک احمقی پیدا شود و به ایران حمله کند. آنها چریک شیعه ندیده‌اند و هر کس هم به آمریکا کمک کند، ما او را هم مورد هدف قرار می‌دهیم... مطمئن باشید اگر جنگی شروع شود، تمام دنیا را به آتش می‌کشیم و تمام نیروهایمان را در سرتاسر جهان برای حمله به آمریکا آماده می‌کنیم. حتی در خاک آمریکا به مواضع آنها حمله خواهیم کرد و حتی در دهان و اتاق خواب آنها نارنجک می‌اندازیم و کاری می‌کنیم که هیچ آمریکایی احساس امنیت نکند.» (Quoted by Mahmodi, 2008)

بازدارندگی موشکی

در سال‌های اخیر اولویت اصلی ایران بر توانمندی‌های موشکی بالستیک و دریایی متعارف به‌عنوان ابزار نمایش قدرت در سطح منطقه متمرکز شده است. (Haghshenass, 2008: 13) ریشه‌ی برنامه‌های موشکی ایران را باید در نیازهای موشکی ایران در جنگ با عراق جست. نیازهایی که ایران را به سمت موشک‌های اسکاد جذب کرد. (See: Mistry, 2007) علت امر نیز این بود که عراق ایران را مورد حمله‌ی موشکی قرار می‌داد و ایران به دلیل تحریم‌های جهانی در

اواخر جنگ دیگر قادر به خرید تسلیحات و پاسخ دادن به این حملات نبود. بنابراین، تلاش گردید با خرید موشک‌های اسکاد به صورت محرمانه از سوریه، کره‌ی شمالی و لیبی در عین استفاده از آنها در جنگ کار مطالعاتی برای تولید آن نیز آغاز گردد. محسن رفیق‌دوست، وزیر سپاه ایران در سال ۱۳۶۲، در خصوص این مقطع و نقطه‌ی آغاز تلاش‌های ایران برای ساخت موشک می‌گوید: «قبل از این‌که در سال ۶۲ وزیر سپاه شوم، به سه کشور زیاد سفر می‌کردم. سوریه، لیبی و کره‌ی شمالی. آنها با ما همکاری می‌کردند و سوریه و لیبی بیش‌تر از کره با ما همکاری می‌کردند. در دیدار با قذافی به او گفتم موشک می‌خواهیم. گفت بیا بردار ببر. همان‌جا به رئیس دفترش گفتم ۱۰ تا موشک اسکاد B آماده کنند ... قذافی گفت به سرگرد سلیمان مأموریت بدهید با تیم خودش به ایران برود. از امروز فرمانده آنها حاج محسن رفیق‌دوست است. برد موشک‌ها ۶۵۰ کیلومتر بود. اولین آن را به بانک رافدین در بغداد زدیم. یکی از آن ۱۰ موشک را به باغ شیان بردم. آنجا به دوستان گفتم که این را اوراق کنید و از روی آن موشک بسازید. بعد عکسی از همان موشک گرفتند. بالای آن نوشتند تقدیم به پدر موشکی ایران ... من پدر موشکی ایران هستم. اصلاً من پدر بیش‌تر صنایع نو نظامی ایران هستم.» (گفتگو محسن رفیق‌دوست با مجله‌ی شهروند امروز، ۱۳۸۷: ۱)

اگرچه در طول جنگ، ایران بر روی این موشک کار کرد، اما نتایج آن سال‌ها بعد جواب داد. سردار تهرانی مقدم از جمله فرماندهانی بود که در طول جنگ و پس از آن نقش مؤثری در دستیابی ایران به انواع موشک به‌ویژه موشک شهاب ۳ ایفا نمود. جنگ به غیر از اجبار، درس دیگری نیز به ایران آموخت. این‌که برای توانایی انتقام‌گیری موشک‌ها لازم هستند. آقای هاشمی رفسنجانی ضمن اشاره به توان این تسلیحات برای بازداشتن صدام از حمله به شهرها در خصوص تجربه‌ی ایران از هشت سال جنگ با عراق و جنگ اول خلیج فارس گفت: «ما چیزهای بسیاری در جریان این جنگ آموختیم ... بسیاری از تکنیک‌ها را فرا گرفتیم. ما تجربیاتی در زمینه‌ی تسلیحات کسب کردیم. ما آموختیم که چه سلاح‌هایی اکنون تأثیر گذارند ... ما این توانمندی را کسب کردیم که مهم‌ترین و اساسی‌ترین سلاح امروز را تولید کنیم. موشک‌ها مهم‌ترین سلاح امروز هستند و ما مهم‌ترین مشکلات راجع به این صنایع موشکی را

حل کرده‌ایم. اکنون آنچه ما را نگران می‌کند این است که چه تولید کنیم و چه مقدار تولید کنیم.» (Quoted by Chubin, 1994: 22-23)

ایران در پایان دهه‌ی ۹۰ چند پروژه‌ی جدی را درباره‌ی برنامه‌ی موشکی آغاز کرد. این پروژه‌ها عبارت بودند از تقویت برد و کلاهک موشک شهاب ۳ و موشک شهاب ۴ که بیش‌تر مرتبط با صنعت پرتاب ماهواره است و قادر به ضربه زدن به آمریکا نیست. ایران در کل تا اواسط سال ۲۰۰۷ تنها توانسته بود موشک‌های شهاب ۳ را به‌صورت عملیاتی و موشک عاشورا را برای اولین بار به‌صورت آزمایشی تست کند. برد موشک شهاب ۳ بین ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ و موشک عاشورا افزون بر ۲۰۰۰ کیلومتر است. (Mistry, 2007) در حال حاضر، با دستیابی ایران به موشک عاشورا باید گفت هر نقطه از خاورمیانه در تیررس موشک‌های ایران قرار دارد. از پایگاه هوایی اینچرلیگ ترکیه تا پایگاه هوایی دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند و از تل‌آویو تا مراکز نظامی آمریکا در دریای سرخ. از این‌رو، هر متجاوز فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای یقین می‌کند که از عواقب تجاوز خود در امان نخواهد بود. دستیابی ایران به موشک عاشورا انعکاس‌های خبری وسیعی در سراسر جهان داشت. این موفقیت موجب گردید تا برخی اسناد آمریکایی از پیش‌بینی دستیابی ایران به موشک‌های قاره‌پیما تا سال ۲۰۱۵ خبر دهند. (Annual Report on..., 2012) هدف قرار دادن آمریکا مستلزم موشک‌های قاره‌پیمایی است که بتواند فاصله‌ی ایران تا نیویورک و واشنگتن را که حدود ۹۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کیلومتر است، بپیماید. اگرچه ایران دارای تجربه‌ی فراوانی در صنعت موشکی است، اما از یک طرف به شدت نیازمند منابع مالی و زمان و از طرف دیگر فناوری لازم است که حمایت خارجی را طلب می‌کند. یکی از راهبردهای آمریکا برای جلوگیری از تحقق اهداف ایران در این زمینه به توافق رسیدن با کره‌ی شمالی و تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی علیه ایران است تا شاید بتواند برنامه‌های نظامی ایران را متوقف کند. قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و اصرار برای گنجاندن موضوع بازدید از پارچین، لویزان و تأسیسات نظامی ایران در دستور کار دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران که در اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ برگزار گردید، نشان از گوشه‌ای از تلاش‌های عملی آمریکا در محدود ساختن ایران در این راه دارد. با این حال، هیچ یک از این قطعنامه‌ها تاکنون نتوانسته‌اند مانع از پیشرفت صنایع موشکی ایران شوند و تیم

مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای ایران نیز به هوشیاری در برابر هرگونه فشاری در این خصوص مقاومت کرده است. تولید موشک نقطه‌زن که قابلیت رهگیری موشک‌ها را در آسمان دارد، آخرین دستاورد ایران در سال ۹۳ است که با وجود فشارها و تحریم‌های فوق‌الذکر سردار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه از ساخت آن خبر داده است.

نکته‌ای که در خصوص بازدارندگی موشکی شایان ذکر می‌باشد، این است که این تسلیحات بیش از آن‌که تأثیر نظامی داشته باشند، تأثیر روانی دارند. در حقیقت این تجهیزات با صدمات روانی و ایجاد احساس ناامنی به توازن وحشت شکل می‌دهند و سلاح‌هایی ترس‌آفرین هستند تا مرگ‌آفرین. همین ویژگی این سلاح‌ها و نامشخص بودن میزان صدمات آن باعث گردیده تا در خدمت فاکتور اول دکترین دفاعی ایران یعنی بازدارندگی رازآلود قرار گیرند. در واقع، ایران به این تسلیحات نه به‌عنوان وسیله‌ای تهاجمی بلکه به‌عنوان ابزاری می‌نگرد که داشتن آن باعث ترس و دلهره در دل دشمنان خواهد شد و آنها را از هرگونه اقدام نسنجیده برحذر خواهد داشت. نگاهی به چیدمان و آرایش صنایع نظامی ایران نشان می‌دهد که ایران تلاش می‌نماید تا در درجه‌ی نخست توانایی تحمل ضربه‌ی اول دشمن را داشته باشد و آن‌گاه پاسخ مناسب و قاطع را به آن بدهد. البته باید گفت که این قابلیت بستگی تام به وارد آورنده ضربه‌ی اول دارد. بر مبنای تجارب سال‌های جنگ با عراق ایران به پراکنده ساختن منابع اصلی دفاعی خود با توجه به گستره‌ی پهناور کشور پرداخت تا امکان از بین رفتن تمام ظرفیت‌های دفاعی با یک حمله از بین رود. در بخش جنگ افزارسازی مشاهده می‌شود تأسیسات تانک‌سازی در لرستان، صنایع الکترونیک در شیراز، صنایع موشکی در تهران و صنایع هواپیما و مهمات‌سازی در اصفهان مستقر شده‌اند. هم‌چنین در بخش صنایع هسته‌ای کارخانه‌ی آب سنگین در اراک، تأسیسات غنی‌سازی در نطنز، مرکز تحقیقات هسته‌ای و گاز هگزا فلوراید در اصفهان و نیروگاه هسته‌ای در بوشهر، طراحی و اجرا شده است. بخش قابل توجهی از صنایع نظامی نیز به پارچین و کرج منتقل شده است. بر این اساس، دشمن در ضربه‌ی اول به سهولت نمی‌تواند تمام توان دفاعی ایران برای ضربه‌ی دوم متقابل را از کشور سلب کند و بدین‌سان نوعی توازن وحشت بر مبنای ظرفیت حمله‌ی متقابل ایران شکل

می‌گیرد. توجه به بحث پدافند غیرعامل که طبق برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی دولت مکلف به اجرای آن است، از جمله اقدامات سازنده‌ای بوده که طی سال‌های اخیر انجام شده است. در حال حاضر، در بسیاری از پروژه‌های صنعتی و نظامی که در کشور آغاز می‌گردد، توجه به بحث مکان‌یابی و رعایت اصول پدافند غیرعامل یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها محسوب می‌گردد. رعایت این اصول نقش مؤثری در تقویت توان دفاعی کشور می‌تواند ایفا نماید.

در هر صورت ایران اکنون بر توان موشکی خود برای پاسخگویی به تهدید متکی است و آن را فاکتور مهمی در دستیابی به مقصود تلقی می‌کند. محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه با حماقت‌بار دانستن حمله‌ی آمریکا به ایران حضور آمریکایی‌ها در اطراف ایران و این‌که ایران را به خیال خودشان محاصره کرده‌اند، یک آسیب جدی برای آنها بر می‌شمرد. او اشاره می‌کند «*که آمریکایی‌ها خودشان به خوبی می‌دانند که در تیررس مستقیم سلاح دور برد و توپخانه‌ی ما و حتی در تیررس موشک‌های میان برد و راکت‌های ما هستند.*» (روزنامه‌ی اعتماد، ۸/۱۱/۸۶)

ایران در دکترین بازدارندگی، خود را برای کلیه‌ی شرایط احتمالی آماده کرده است. مقامات نظامی ایران با فرض هدف قرارگرفتن سکوهای پرتاب موشکی ایران به هنگام جنگ احتمالی از سوی آمریکا آموزش‌های لازم را در طی مانورهای نظامی به نیروهای خود داده‌اند. سردار محمود چهارباغی، فرمانده توپخانه و موشک‌های نیروی زمینی سپاه، توپخانه‌ی جنگی کنونی ایران را بهترین و متداول‌ترین توپخانه‌ی جنگی دنیا می‌داند. او اشاره می‌کند که هم‌اکنون در زمینه‌ی آموزش، دو نوع عملیات منظم و نامنظم (یا همان ناهم‌تراز) به نیروهای مرتبط آموزش داده می‌شود تا اگر از کشورهای هم‌جوار اقدام ناشایستی صورت گرفت، با مدل منظم و اگر با ارتشی که از نظر تجهیزات و تسلیحات نابرابر بود، روبرو شوند، بتوانند در برابر ارتش فرضی قوی مذکور از سلاح‌های خود به شکل دکترین نامتقارن و به بهترین نحو استفاده کنند. این فرمانده عالی‌رتبه‌ی نیروی زمینی سپاه با یادآوری این‌که ایران این آموزش‌های نامتقارن را ضمن طراحی، بر روی زمین نیز در مراحل مختلف اجرا کرده و در رزمایش‌ها به‌کار گرفته است، گفت: «*این آموزش‌ها و تاکتیک‌ها به‌گونه‌ای انجام گرفته که دشمنان نتوانند*

مواضع شلیک ما را پیدا کنند تا در روز موعود بتوانیم به آنها ضربه‌ی لازم را وارد کنیم. توانمندی بسیار بالا و مدرن نیروی زمینی سپاه با استفاده از راکت‌اندازهای رادارگریز، تجهیزات هدایت آتش رایانه‌ای با سرعت بالا و خطای نزدیک به صفر درصد و نیز نیروی انسانی مجرب و با ایمان محقق شده؛ به طوری که اولین گلوله‌ی ما قطعاً در ۵۰ متری هدف فرود می‌آید.» (روزنامه‌ی کیهان ۸۶۷/۱۹)

توان موشکی ایران یکی از قدرتمندترین توانمندی‌های نظامی در سطح منطقه است که طیف متنوعی از موشک‌ها با بردهای مختلف را در بر گرفته است. بر اساس اطلاعات مندرج در سایت فدراسیون دانشمندان آمریکایی که در زمینه‌ی مسائل مربوط به فناوری‌های نظامی پیگیری مستمر دارد، در کل جهان به غیر از ۵ کشور هسته‌ای که دارای موشک‌های دوربرد و قاره‌پیما هستند، تنها ۶ کشور اسرائیل، عربستان، هند، پاکستان، کره‌ی شمالی و ایران صاحب موشک‌های میان‌برد (۳۰۰۰-۱۰۰۰ کیلومتر) می‌باشند و این مسأله که ایران نه تنها دارنده بلکه سازنده‌ی این موشک‌ها نیز می‌باشد، غرورآفرین است. (ساعد، ۱۳۸۵: ۶) به همین خاطر توان و ذخیره‌ی موشکی ایران نه تنها باید به‌عنوان بازدارنده دیده شود، بلکه به‌عنوان توانایی این کشور برای نمایش قدرت آن تلقی گردد. (Jane's Defence Weekly, 2006) جدول شماره‌ی ۳ بخشی از توانمندی‌های موشکی ایران را نشان می‌دهد:

جدول شماره‌ی ۳ - انواع موشک و راکت‌های ایران

موشک	نوع سوخت	برد تخمینی	قابلیت حمل کلاهک
فجر ۳	جامد	۴۵ کیلومتر	۴۵ کی
فجر ۵	جامد	۷۵ کی	۹۰ کی
فاتح ۱۱۰	جامد	۲۰۰ کی	۵۰۰ کی
قادر ۱	مایع	۱۶۰۰ کی	۷۵۰ کی
نازعات-ایران ۱۳۰	جامد	۹۰-۱۲۰ کی	۱۵۰ کی
ک اچ ۵۵	جامد	۲۵۰۰-۳۰۰۰ کی	۴۰۰-۴۵۰ کی

قابلیت حمل کلاهک	برد تخمینی	نوع سوخت	موشک
۱۵۰ کی	۱۰۰ کی	جامد	نازعات ۶
۲۵۰ کی	۱۵۰-۱۴۰ کی	جامد	نازعات ۱۰
۷۰ کی	۴۰ کی	جامد	عقاب
۷۵۰ کی	۲۴۰۰-۲۲۰۰ کی	جامد	سجیل ۲
۱۰۰۰ کی	۳۰۰ کی	مایع	شهاب ۱
۷۳۰ کی	۵۰۰ کی	مایع	شهاب ۲
۱۱۰۰-۷۶۰ کی	۱۰۰۰-۸۰۰ کی	مایع	شهاب ۳
۱۵۰۰ کی	۳۰۰۰ کی	مایع	شهاب ۴
۱۰۰۰ کی	۱۳ کی	جامد	شاهین ۱
۱۰۰۰ کی	۲۰ کی	جامد	شاهین ۲
۶۰۰ کی	۱۲۵ کی	جامد	زلزال ۱
۶۰۰ کی	۲۰۰ کی	جامد	زلزال ۲
۷۴۶ کی	۵۰۰ کی	مایع	قیام ۱
۳/۶ کی	۳۸۵۰-۷۰ متر	جامد	طوفان ۵
۱۵۰ کی	۳۵ کی	جامد	نصر ۱
؟	۳۰۰۰-۲۵۰۰ کی	مایع-جامد	قدر ۱۱۰
۲۲۶ کی	؟	جامد	عصر ۶۷
۶۵۰ کی	۳۰۰ کی	جامد	خلیج فارس
؟	۲۵۰۰ کی	جامد	عاشورا
۲۰۰ کی	۶۰ کی	جامد	صیاد
؟	۲۰ کی	جامد	زوین

Source: Information attained by author and 2010 IISS Iran's Ballistic Missile Capabilities: A Net Assessment

جدول شماره‌ی ۴ - انواع موشک‌های ایران بر حسب نوع (منبع: خبرگزاری مهر، ۲۳ آذر ۱۳۹۲)

نمونه‌ها	نوع موشک
شهاب ۴، شهاب ۵، شهاب ۶، سجیل، ماهواره بر سفیر و پروژه کوثر	موشک‌های بالستیک دوربرد
شهاب ۳، فجر ۳، عاشورا و قدر ۱۱۰	موشک‌های بالستیک میان برد
شهاب ۱، شهاب ۲ و فاتح ۱۱۰	موشک‌های بالستیک کوتاه برد
خلیج فارس	موشک بالستیک ضد کشتی
صمید، تندر ۶۹، زلزال ۱، زلزال ۲ و زلزال ۳	راکت های توپخانه‌ای
محراب، شاهین، میثاق ۱، میثاق ۲، صیاد ۱، شهاب ثاقب و مرصاد	موشک‌های زمین به هوا
قائم	موشک ضد هلی کوپتر
صاعقه، رعد، توفان، توفان ۲، توفان ۵، توسن و دهلاویه	موشک‌های ضد تانک هدایت شونده
نور، کوثر، قادر و ظفر	موشک‌های ضد کشتی
نصر ۱ و مسکات (در حال توسعه)	موشک کروز
قیام	موشک بدون بال
شفق، شاهین ۳، ستار و عصر ۶۷	موشک‌های هوا به زمین
فاطر و سجیل	موشک‌های هوا به هوا
کوسه، یاسین و حوت	اژدرها
آرش، فجر ۳، فجر ۵، فلق ۱، فلق ۲، عقاب و حاسب	کاتیوشا

نتیجه‌گیری

اسناد مختلف داخلی از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله گرفته تا برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم توسعه، راهبرد نظامی ایران را بازدارندگی اعلام می‌نمایند. این راهبرد که متکی بر عنصر دفاعی و مشخصاتی هم‌چون توان بازدارندگی موشکی، تهدید امنیت صدور انرژی، دفاع مسطح (موزائیکی)، بهره‌گیری از کمک متحدان راهبردی، جنگ نامتقارن و عملیات استشهادی

می‌باشد، تاکنون در بازداشتن دشمنان از هرگونه اقدام تحریک‌آمیز مؤثر بوده است. نکته‌ی مهم در خصوص راهبرد نظامی ایران که آن را از بسیاری دیگر از کشورها متمایز می‌سازد، مبتنی بودن این راهبرد بر دفاع به‌جای حمله می‌باشد. در حقیقت بازدارندگی مورد تأکید ایران بازدارندگی از نوع دفاعی بوده که حفاظت از تمامیت ارضی، منافع ملی و ساختار قانون اساسی کشور را به‌جای تعدی به خاک دیگر کشورها هدف اساسی خود قرار داده است. البته باید توجه داشت که این خصوصیت به معنای انفعال و رکود در آن نیست و هر زمان تمامیت ارضی ایران از سوی کشوری مورد تعرض واقع گردد، پاسخ ایران سریع، قاطع و کوبنده خواهد بود. دستاوردهای دفاعی ایران در طول سال‌های اخیر به خوبی نشان داده است علی‌رغم این‌که ایران در بین همسایگان خود کم‌ترین هزینه‌ی نظامی را داشته است، اما بالاترین میزان امنیت را تجربه کرده است. همین دستاورد است که موجب گردیده تا دشمنان نظام از در پیش گرفتن گزینه‌های نظامی برای تغییر رژیم در ایران ناامید گردند و سراغ راهبردهای جدید هم‌چون جنگ نرم و یا تلاش برای متوقف‌سازی پیشرفت‌های علمی و نظامی از طریق گنجاندن آن در دستور کار مذاکرات هسته‌ای روند. به همین دلیل، در حال حاضر مقابله با تهدیدات نرم به بخشی از دستور کار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبدیل شده است. حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ ایران و تحولات اخیر در خاورمیانه به خوبی نشان داد که در صورت غفلت از این تهدید رسانه‌های غربی با فضاسازی تبلیغاتی به آسانی می‌توانند به بروز تنش در داخل کشور کمک نمایند و زمینه‌های مشروعیت‌زدایی و حقانیت‌زدایی از نظام ایران و زیر سؤال بردن تمام دستاوردهای آن از جمله بحث انرژی هسته‌ای را شکل دهند.

منابع

فارسی

- ۱- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۷۴)، «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر»، تهران: سمت.
- ۲- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، چاپ سوم، تهران: قومس.
- ۳- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۹)، «امنیت غرب و تقلیل جایگاه نفتی خلیج فارس: سناریوهای آینده»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۲۵.
- ۴- خیبری، کابک (۱۳۸۲)، «راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راهکارها)»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال اول، شماره ۱ اول.
- ۵- خلیل‌زاد، زلمای و یان لسر (۱۳۷۶)، «راهبرد برای قرن ۲۱»، ترجمه‌ی مرکز تحقیقات و بررسی‌ها، تهران: آمن.
- ۶- ساعد، نادر (۱۳۸۵)، «پیشرفت‌های اخیر در فناوری موشکی و دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی اطلاعات راهبردی، سال چهارم.
- ۷- سعیدآبادی، علی (۱۳۸۲)، «طراحی راهبرد ملی در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- سلامی، حسین (۱۳۷۹)، «سخنرانی رئیس اداره عملیات ستاد مشترک سپاه در همایش امنیت عمومی و وحدت ملی»، ۲۵-۲۴ بهمن ۱۳۷۹، در مجموعه‌ی سخنرانی‌ها و مقالات همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- ۹- «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران»، (۱۳۸۲) قابل دسترسی در وبسایت بانک مرکزی به آدرس www.cbi.ir
- ۱۰- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۰)، «نگاهی به مسائل ایران» (در گفتگو با محمدرضا تاجیک)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- عندلپ، علیرضا (۱۳۸۰)، «نظریه‌ی پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دوره‌ی عالی جنگ.

- ۱۲- کالینز، جان ام. (۱۳۷۰)، «راهبرد بزرگ: اصول و رویه‌ها»، ترجمه‌ی کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۳- گلدشتاین، لارنس جی. (۱۳۷۹)، «تحریم‌های اقتصادی: علل سیاسی و تأثیرات اقتصادی»، مجله‌ی سیاست خارجی، سال ۱۱، شماره‌ی ۲.
- ۱۴- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «رهیافت امنیت بین‌المللی و فرآیندهای تحول در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۲.
- ۱۵- میزگرد پیش‌نیازهای سیاسی - امنیتی (۱۳۸۶)، برای تحقق چشم‌انداز»، فصلنامه‌ی راهبرد یاس، سال ۹.
- ۱۶- «اظهارات فرمانده سپاه در گفتگو با شبکه‌ی الجزیره»، روزنامه‌ی اعتماد، (۱۳۸۶/۱۱/۸)
- ۱۷- «گفتگو با فروز رجایی‌فر، فرمانده استهشاد یون»، روزنامه‌ی اعتماد، (۱۳۸۶/۴/۵)
- ۱۸- «گفتگوی فرمانده سپاه با شبکه‌ی الجزیره»، روزنامه‌ی اعتماد، (۱۳۸۶/۱۱/۸)
- ۱۹- «گفتگوی فرمانده توپخانه موشک‌های نیروی زمینی با روزنامه‌ی کیهان»، روزنامه‌ی کیهان، (۱۳۸۶/۷/۱۹)
- ۲۰- «توسعه‌ی سپاه باید تا سه برابر افزایش یابد»، روزنامه‌ی اعتماد ملی، (۱۳۸۶/۹/۲۶)
- ۲۱- روزنامه‌ی اعتماد ملی، (۱۳۸۶/۵/۲۷)
- ۲۲- روزنامه‌ی کیهان، (۱۳۸۶/۶/۱۳)
- ۲۳- جییمان، جان، «برنامه‌ی تسلیحات راهبردی ایران»، ترجمه‌ی مصطفی شیرمحمدی، مرکز مطالعات راهبردی، (http://www.rissnar.ir/viewtk.asp?txtc)(۸۴/۶/۲۸)
- ۲۴- صفاری، اسفندیار، «استقرار ۶۰۰ واحد رزمی جدید سپاه»، (۸۶/۱۳/۱۵)، قابل دسترس در: aspy?ID=13791/(Http://www.emruz.com/show.Hem.aspx?ID=13791.
- ۲۵- خرازی، صادق، «دخالت‌ها امروز در وزارت خارجه بیش از هر زمانی است»، قابل دسترس در: (http://www.Roozonline.com/archives/2008/03-600-2)
- ۲۶- «اولتیماتوم ایران به کشورهای همسایه»، (۱۳۸۶/۹/۴)، قابل دسترس در: php?id=29726)/Com/view.asriran.(http://www
- ۲۷- تقی‌زاده، رضا، «محاسبه‌ی ابعاد هجوم احتمالی نظامی به ایران»، (۱۳۸۵/۱۲/۱)، قابل دسترس در: (http://www.bbc.co.uk/persian/iran/Story/2007/02/Printable/070220-a-rt-us-iran-crisi.shtml)
- ۲۸- گفتگوی مجله‌ی شهروند امروز با محسن رفیق‌دوست، قابل دسترس در: (http://www.asriran.com/view.php =34606)
- ۲۹- «احتمال درگیری آمریکا و توان دو طرف»، (۸۵/۱۱/۵)، قابل دسترس در: (http://persiaon/iran/story/2007/02).uk.co.bbc.www

۳۰-۳۰. «متن کامل قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)» قابل دسترس در: <http://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034>

انگلیسی

- 31- Abramovitz, Morton and Others,(2013)," *Weighing Benefits and Cost of Military action against Iran*",The Iran Project,(www.wilsoncenter.org)
- 32- "Annual Report on Military Power of Iran", (2012) UNCLASSIFIED, Executive Summary, April 2012
- 33- Arreguin Toft, Ivan,(2001) " *How The Weak Win Wars :A Theory of Asymmetric Conflict* ", International Security, vol.26, issue
(www.stanford.edu/class/polisci211z/2.2/Arreguin-Toft%20IS%202001.pdf)
- 34- Burgess, Jr, Ronald L.(2010), " *Iran's Military Power* ", Statement before the Committee on Armed Service, United States Senate, 14 April 2010.
- 35- Chamberlain, Gethin(2007), " *Iran: spy post heightens Gulf Tension with U. S* ", Sunday Telegraph. (September 10,2007)([http://www.telegraph.co.uk/news/main/html?xm1=-/news/2007/09/09/Iran 109. xml](http://www.telegraph.co.uk/news/main/html?xm1=-/news/2007/09/09/Iran%20109.xml))
- 36- Cohen, Ariel, David. W.Kveutzer, James Phillips and Michaela Bendikova(2012), " *Thinking the unthinkable: Modeling a Collaps of Saudi oil production* ", April, 9, 2012, Back grounder,No: 2671.
- 37- Chubin, Shahram(1994), " *Iran's national Security Policy: Intentions & Capability Impact* ", Washington:A Carnegie Endowment Book.
- 38- Cordesman, Anthony. H(2004a), " *Energy Development in the Middle East* ", Washington DC,Center For Strategic and International.
- 39- Cordesman, Anthony.H(2006)," *The Gulf Military Forces in an Era of Asymmetric Warfare* ", Center For Strategic and International studies, June 2006.
- 40- Cordesman Anthony .H(2007b), " *Iran Oil and the Strait of Hormuz* ", Center For Strategic and International studies ,March 26,2007.
- 41- Cordesman Anthony.H(2007c), " *Iran's Developing Nuclear and Missile Programs* ", Center For Strategic and International studies, February 15 ,2007.

- 42- Cordesman Anthony.H(2007d), "**The Middle East Military Balance: Definition of Regional Development and Trends**", Center For Strategic and International Studies,(March 23, 2005) p.5 (<http://www.csis.org>)
- 43- Cordesman, Anthony.H(2007e), "**Iran: hegemon or weakling**", 28 February 2007.
- 44- Energy information administration, "**Persian Gulf Region Oil Exports**", (http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Persian_Gulf/OilExports.html)
- 45- Cook, Alethia.H and Jalil Rolshandel, (2009), "**The United States and Iran: Policy Challenges and Opportunities**", USA: Palgrave Macmillan.
- 46- Engdahl, William,(2006) "**Calculating the Risk of war In Iran**", Global Research, January 9 ,2006.
- 47- EIA (International Energy Outlook), july2010
- 48- Farhad, Pouladi,(2010), "**Iran Launches Assault Boats, Warns 'Don't Play with Fire,'**" AFP, Defense News, 23 August 2010; "Iran Inaugurates Mass Productions of 2 Types of Assault Boats," Tehran Times, 24 August 2010.
- 49- Fayazmanesh, Sasan,(2008), "**The United States and Iran: Sanction, Wars, and the Policy of Dual Containment**", USA: Rutledge.
- 50- Ganji, Babak(2006), "**Iran Israel Asymmetric warfare and Regional strategy**", Conflict studies search Center Middle East Series 06/49, Defense Academy of the United kingdom, (October 2006) (<http://www.defac.ac.Uk/csres>)
- 51- Giles Gregory(2005), "**A framework for Assessing the Threat of Iranian WMD Terrorism against the United States**", Committee on Homeland Security, September 8,2005.
- 52- Groves, Juson(2007), "**Hezbollah will Avenge Iran Strike**", Sunday Express, November 25,2007,(<http://www.express.co.uk/posts/View/26277/Hezbollah-will-avenge/Iran-strike>)
- 53- Haghshenass, Fariborz(2008), "**Iran's Asymmetric Naval Warfare**", Policy Focus #87 The Washington institute for near east policy, September 2008.
- 54- Ignatius David, "**A Way Out Far Tran**", Washington post, (October 7, 2007), (<http://www.WashingtonPost.Com/wp-dyn.content.article/2007/10/05/AR20071005089>)

- 55- "**Iran's Ahmadinejad Calls for U.S. bases to be 'eradicated'**", (2008), Agency France-Press, July 8, 2008. Available online (www.france24.com/en/20080708-iransahmadinejad-calls-us-bases-be-eradicated).
- 56- The office of naval intelligence,(2009) "**Iran's Navel Forces: from Guerilla warfare to a modern Navel strategy**", 2009 .
- 57- 2010 IISS Iran's Ballistic Missile Capabilities: A Net Assessment (2010)
- 58- Jane's Defiance Weekly, (28 January 2009) "**A new line of defense**".
- 59- Jane's Defence Weekly, (2006) "**Iran's ballistic missile developments**", 13 September 2006.
- 60- Katzman, Kenneth,(2009) "**Iran: US Concerns and Policy Responses**", US Congressional Research Service, 6 August 2009.
- 61- Karsh, Afraim,(2002), "**The Iran_Iraq War 1980-1988**", Britan:Osperay.
- 62- Mahmodi, Alborz(2008), "**Leader of Iran's Hezbollah God Created Iranians to Conquer the world**", (www.roozonline.com/2008/03/02)
- 63- Mistry, Dinshaw(2007) "**European Missile Defense: Assessing Iran's ICBM capabilities**", Arms Control Today,October 2007.
- 64- "**Pasdar Gen. Hossein Salami: The World Has No Clear Assessment of the IRGC's Power**"(2008) [in Persian], Fars News Agency, July 6, 2008. Available online(www.farsnews.com/newstext.php?nn=8704160325).
- 65- Plesch, Dr Dan and Martin Butcher,(2007), "**Considering a war with Iran:A discussion paper on WMD in the Middle East**", Centre for International Studies and Diplomacy, (www.cisd.soas.ac.uk)
- 66- Robbins, James. S(2007), "**The Deterrence**", Washington D.C, The American Foreign Policy Council, March 2007, No.2.
- 67- Rubin, Uzi(2006), "**The Global Reach of Iran's Ballistic missiles**", Institute For National Security studies, Tel Aviv, November 2006.
- 68- Sands, Derek,(2007), "**Would Iran Retaliate to Bombing**", United Press, Aug 31,2007 ([http://www.upi.com/International-security/emerging Threats /Analysis/2007/08/31/analysis-would-iran-retaliate-to-bombing /4133](http://www.upi.com/International-security/emerging-Threats/Analysis/2007/08/31/analysis-would-iran-retaliate-to-bombing/4133))
- 69- Stevens, Paul, (2002), "**Strategic Positioning in the Oil Industry Trends and Options**", (IB Tauris & Company, 2002)

- 70- Taylor, Claire(2009), "**Iran: Conventional Military Capabilities**", International Affairs and Defence Section, SN/IA/4264.
- 71- Wilner, Alexander,(2011), "**Iran and the Gulf Military Balance**",
(www.csis.org/burke/report)
- 72- <http://www.agahsazi.com/news.asp?NewsId=579> (A)
- 73- <http://www.agahsazi.Com/news/news.asp?NewsID=570> (B)
- 74- <http://www.agahsazi.com/News.asp?NewsID=576> (C)

